



نقش تغییرات اجتماعی بر دگرگونی فضاهای میانی در دوره قاجار با رویکرد «فضا ابزار»*

پریا علی اکبری^۱، شادی عزیزی^۲، مزین دهباشی شریف^۳

۱۳۹۹/۰۴/۰۴

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۹/۱۱/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

بیان مسئله: یکی از مهم‌ترین علل تغییرات فضایی را می‌توان تأثیر تغییرات اجتماعی بر آن دانست. فضاهای شهری و معماری به عنوان پدیده‌های انسان‌ساخت در فضای جغرافیایی متأثر از شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی هستند. ارتباط ایرانیان با غرب و آشنایی با تحولات علمی و پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژیکی، زمانی آغاز شد که این ارتباط از طریق مسافرت، تجارت، تحصیل و نیز نفوذ اقتصادی و سیاسی کشورهای اروپایی به ایران، شکل گرفت و سبب آگاهی از عقب‌ماندگی کشور از دول غربی گشت و زمینه‌های اعتراض به شاه و حکومتش فراهم شد و آغازگر تغییرات در حوزه‌های مختلف گشت. در جامعه ایران تا قبل از قرن نوزدهم، بین ارزش‌ها و واقعیت‌های محیطی توافق وجود داشت و جامعه و نظام اجتماعی در تعادل بودند؛ اما در طول این قرن، شاهد تغییر در نظام اجتماعی و عدم تعادل در آن هستیم که متأثر از عوامل درونی و بیرونی است. در این مقاله به دنبال بررسی این مسئله هستیم که کدام عوامل بیرونی تغییر در ارزش‌ها و محیط به‌طور مستقیم تأثیر خود را بر فضا گذاشته است.

سؤال تحقیق: این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که تحولات اجتماعی چه تأثیری بر تحولات فضای میانی در دوره قاجار داشته است؟

اهداف تحقیق: این پژوهش با هدف شناخت عوامل بیرونی تغییر، در پی شناخت و بررسی این عوامل بر دگرگونی کالبدی فضاهای میانی است.

روش تحقیق: در این مقاله، کیفی و از نوع تاریخی تفسیری و به لحاظ منطق پسکاوای و پیامد آن، بنیادی راهبردی می‌باشد.

مهم‌ترین یافته‌ها و نتیجه‌گیری تحقیق: حاکی از آن است که تأثیر عوامل بیرونی تغییر در ارزش‌ها در این دوره تاریخی و نتیجه مستقیم آن بر محیط را می‌توان سه عامل بیان کرد: اول، نقش آموزش‌های جدید که منجر به شکل‌گیری قشر تحصیل‌کرده‌ای به نام روشنفکر شد. دوم، نقش و تأثیر دول غربی به لحاظ اقتصادی و سیاسی که کشور را تحت تأثیر و صحنه چپاول خود قرار داده بودند و نقش ویژه‌ای را در ورود تفکر غربی به کشور، بازی کردند و سوم، نقش انقلاب صنعتی و تغییرات حاصل از آن بود. این سه عامل، نقش بارزی در تغییر ارزش‌های انسان سنتی و ایجاد گرایش به سمت نوگرایی ایفا کردند و عاملی برای تغییر در محیط کالبدی شدند. می‌توان چنین ادعا نمود که علت تغییر در فضای میانی، شکل‌گیری اندیشه‌های ابزارهای نسبت به مسئله فضا است که فضا را اهرمی برای تغییر در ارزش‌ها و نیز تحمیل نوع جدیدی از زندگی و تفکر می‌دانست.

کلمات کلیدی: تحولات اجتماعی عصر قاجار، عوامل بیرونی تغییر، نظریه جانسون، فضا ابزار، فضاهای میانی

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تحلیل و بررسی روند تحول فضاهای میانی در مسکن از قاجار تا پهلوی از منظر

تعامل اجتماعی در فضا» است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی در حال انجام است.

۱. دپژوهشگر، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران ایمیل: pariaaliakbari@yahoo.com

۲. استادیار، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول): Sha.Azizi@iauctb.ac.ir

۳. استادیار، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، mozdehbashi sharif@iauctb.ac.ir

۱- مقدمه

در اکثر مطالعات در حوزه تحولات اجتماعی عصر قاجار می‌توان به تأثیر عوامل خارجی در شکل‌گیری اندیشه‌های تجدد در این عصر اشاره کرد. در واقع این دوره را می‌توان تحولی عمده در مفاهیم تاریخی دانست. تحولی که نه بر مبنای شرایط تاریخی درونی؛ بلکه بر مبنای تغییرات شرایط بیرونی رخ می‌دهد (حبیبی، ۱۳۹۶: ۱۲۱)؛ اما سؤال این است که چگونه این تحولات، نمود عینی می‌یابند؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که فضا، عاملی مهم در شناخت تغییر و تحولات اجتماعی صورت‌گرفته در جامعه در بُعد مکانی-زمانی است؛ چراکه برای دیدن تغییرات صورت‌گرفته در جامعه باید به نمود کالبدی آن توجه کرد تا به عمق ریشه تحول در ساختارهای جامعه پی برد. معماری و شهر را می‌توان عنصری دانست که متأثر از احوالات جامعه هستند و به خوبی تغییرات را در خود بروز می‌دهند و برای مخاطب قابل رؤیت می‌کنند و اما در ارتباط با فضای میانی که عنصر پیونددهنده معماری و شهر خوانده می‌شود، می‌توان گفت که این فضاها در مقیاس خرد (بنا) تا کلان (شهر) نقش سازماندهی و سلسله مراتبی به همراه داشته که در نظم‌دهی به معماری و شهرهای سنتی، بسیار حائز اهمیت هستند و جایگاه ویژه‌ای دارند؛ اما با ورود به عصر معاصر، شاهد تغییر در عملکرد، کالبد و نیز تعاملات صورت‌گرفته در آن هستیم که انگیزه اصلی انجام تحقیق شده است تا به بررسی چگونگی تأثیر تغییرات اجتماعی بر دگرگونی این فضای مهم و کلیدی بپردازیم. در قرن بیستم فضا جای خود را در علوم اجتماعی پیدا کرد. در حوزه معماری همانطور که مارکوس (۱۹۹۳) عنوان می‌کند، بهترین بررسی معماری انجام‌شده تا دهه ۹۰ از سوی محققینی بود که معماری را یک هنر می‌دیدند و بنابراین فاکتورهای اجتماعی را یک عامل حاشیه‌ای و در عین حال مهم تلقی می‌کردند. این اصل هنوز در تاریخ و نظریه معماری مطرح است؛ اما در طی دهه‌های اخیر، بررسی‌های زیادی انجام شده‌اند که به سؤالات اجتماعی از منظر معماری پرداخته‌اند و یا به سؤالات معماری از یک منظر اجتماعی توجه کرده‌اند. تأثیر فزاینده مطالعات جنسیتی و فمینیستی، تأثیر

نظریات پسااستعماری و گسترش نظریه عامل-شبکه منجر به انجام مطالعاتی شد که هدف آن‌ها شناخت روابط میان ساختمان‌ها و نیروهای اجتماعی بوده است (Crysler, Cairns, and Heynen, 2012). تغییر در فرایندهای اجتماعی یا ساختار جامعه به‌ویژه در بحث گذر از جوامع سنتی به جوامع صنعتی و جدید مطرح می‌شود. دگرگونی اجتماعی، فرایند پیچیده‌ای است که عوامل متعددی نظیر اختراع، تراوشات ناشی از فرهنگ‌ها یا اشاعه ویژگی‌ها از جوامع دیگر، افزایش یا کاهش جمعیت، تکنولوژی، شخصیت‌های بزرگ، جنبش‌های اجتماعی، آموزش و پرورش و بی‌سازمانی اجتماعی و... در آن دخالت دارند (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۴). اما این تغییرات اجتماعی در حوزه معماری و شهرسازی چگونه خود را نشان داده است؟ طرفداران جنبش مدرن معتقد بودند که معماری و شهرسازی می‌تواند تقویت‌کننده تغییرات اجتماعی و نیز اهرم تغییر در جامعه و سبک زندگی افراد باشد. به نوعی می‌توان گفت، نوع نگاه ابزاری به مقوله فضا در این نوع از تفکر به چشم می‌خورد که هینن (۲۰۱۳)، بدان اشاره کرده است. در جامعه ایران، نگاه ابزاری به مسئله فضا از عصر قاجار به سبب ارتباط با غرب شکل گرفت و حاکمان و اشراف این عصر برای وارد کردن این تفکر به کشور و انتقال آن در سطح جامعه از معماری و شهرسازی یاری جستند.

این مقاله برای یافتن تغییرات اجتماعی عصر قاجار از نظریه جانسون بهره جسته است. جانسون، تعادل یک نظام اجتماعی را تابع درجه سازگاری بین ارزش‌های یک جامعه و شرایط محیطی آن جامعه می‌داند. زمانی که این شرایط دچار اختلال گردد، نظم و تعادل نیز مختل گردیده و شرایط برای تغییر و سازگاری فراهم خواهد شد، او منابع تحول را در دو گروه تقسیم‌بندی می‌کند:

۱- فشارهای محیطی ۲- عدم موفقیت در دستیابی به ارزش‌های آرمانی که مورد قبول همگان باشد. براساس این روش، فشارها یا از برون نظام اجتماعی نشأت می‌گیرد یا از درون نظام اجتماعی و یا توسط تماس فرهنگی با خارج بروز می‌کند که موجب تحولات انقلابی می‌گردد (امین‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۴). بر این اساس، جانسون



در کتاب خود، منابع تغییر یک نظام اجتماعی متعادل را به صورت خردتر در چهار مورد زیر بیان می‌دارد:

- منابع تغییر ارزش در خارج از نظام
- منابع تغییر ارزش در داخل نظام
- منابع تغییر شرایط محیطی در خارج از نظام
- منابع تغییر شرایط محیطی در داخل نظام (جانسون، ۱۳۶۳: ۷۴).

علت انتخاب نظریه جانسون در فهم بستر تغییرات اجتماعی دوره قاجار، این است که این نظریه با نگاهی جامع به مسئله تغییرات، این مقاله را در رساندن به هدف یاری خواهد رساند. همانطور که پیش‌تر بیان شد، مهم‌ترین عامل تغییر در دوره قاجار، عامل خارجی دانسته شده است؛ لذا مقاله حاضر بر آن است به مهم‌ترین علل خارجی تهدیدکننده ارزش‌ها و تغییردهنده محیط در دوره قاجار بپردازد که عامل ۱ و ۳ را در نظریه جانسون شامل می‌شود و در نهایت به تأثیرات این عوامل بر تغییرات کالبدی فضاهای میانی پرداخته می‌شود.

۲- پرسش‌های تحقیق

تحولات اجتماعی (عوامل بیرونی) دوره قاجار چه تأثیری بر تحولات فضای میانی داشته است؟

۳- فرضیه تحقیق

ارتباط ایرانیان با غرب در عصر قاجار باعث بروز تحولات اجتماعی وسیعی در جامعه شد که نتیجه آن، تغییر در ارزش‌ها و محیط بود و این تغییرات، ابعاد وسیعی از جنبه‌های زندگی ایرانیان دوره قاجار را تحت شعاع خود قرار داد که معماری، شهرسازی و عناصر تشکیل‌دهنده آن‌ها (فضای میانی) از جمله این موارد هستند.

۴- پیشینه تحقیق

شامل سه بخش است: اول، به مسئله فضا و فرایندهای اجتماعی مربوط می‌شود که رویکرد مقاله از آن استخراج خواهد شد. دوم پرداختن به مسئله فضای میانی است که نوع نگاه این مقاله به فضای میانی را بیان خواهد کرد و در نهایت، به نظریه جانسون که زمینه و بستر تغییرات را در این مقاله تشکیل می‌دهد، پرداخته می‌شود.

گذار از درک فضا به عنوان «فاصله میان اشیا» و یا «جایی برای اشیا»، به فضا به عنوان «تولید اجتماعی»

در واقع، گذار از درکی مطلق و ذات‌گرا درباره فضا به درکی ارتباطی و برساختی از فضا است. تا ربع آخر قرن بیستم، نادیده‌انگاری روشنی در باب بررسی دقیق‌تر فضا به عنوان یک مسئله و عاملی دارای ارزش تحلیل سیستماتیک، وجود دارد؛ پس از این زمان با چاپ تعداد زیادی از پژوهش‌های برجسته به‌ویژه در «جغرافیای انسانی یا فرهنگی» است که موضوع فضا به سرعت به عنوان یک عرصه بنیادی و حیاتی برای تحلیل و تحقیق اجتماعی مبدل گردید (ژیلینیتس، ۱۳۹۴: ۸-۹). در دهه ۶۰ میلادی، فضا بحث جغرافی‌دانان بود. در این دهه، دیدگاه فضاگرایی و علم فضا به این صورت بود که فضا فی نفسه متغیر مستقلی است که می‌تواند نقش و تأثیر عمده‌ای در نگرش‌ها، رفتارها و فرایندهای اجتماعی داشته باشد. در دهه ۷۰ میلادی، عده‌ای مخالف دیدگاه اول بودند. یک طرف این مخالفت، مارکسیست‌ها بودند که فضا را به‌طور مطلق و کامل نفی می‌کردند. به تعبیر آن‌ها تمام روابط و فرایندهای فضایی در واقع روابط اجتماعی‌اند که شکل فضایی پیدا کرده‌اند (افروغ، ۱۳۹۶: ۴۴-۴۵). این نفی مطلق‌گونه طوری بود که به گفته مسی (۲۰۰۱) از آموزه دهه ۱۹۷۰ میلادی بود که «فضا، یک ساخت اجتماعی» است؛ یعنی فضا از طریق «روابط اجتماعی» و «اعمال مادی اجتماعی» شکل می‌گیرد (Massey, 2001, 255). این نوع نگاه در دیدگاه مانوئل کاستل^۱ و دیوید هاروی^۲ و نیز هانری لفور^۳ دیده می‌شود؛ اما متفکرانی بودند که این گرایش را نپذیرفتند و موضع ربطی یا نسبی را اتخاذ کردند. در دهه ۸۰ مجدداً جغرافیا را مطرح کردند و جمله مهم دورین مسی را نیز مورد توجه قرار دادند و شد «اجتماع نیز یک سازه فضایی است» و اینکه فضا نیز تفاوتی ایجاد می‌کند. فضا، یک سازه اجتماعی است؛ اما روابط اجتماعی نیز روی فضا بنا می‌شود. به گفته دیگر، جامعه الزاماً به لحاظ فضایی ساخته می‌شود و سازمان فضایی جامعه در خصوص چگونگی عملکرد جامعه، نقشی ایفا می‌کند (افروغ، ۱۳۹۶: ۴۴-۴۹) و اما در حوزه معماری، در ابتدا فضا، فضایی دکارتی و نیوتونی بود که نسبت به تاریخ، زمینه و جامعه خنثی و بی‌اثر بود؛ لذا در حیطه علوم اجتماعی قرار نمی‌گرفت. به مرور زمان، در قرن بیستم فضا جای خود را در علوم اجتماعی پیدا کرد.



بیرون و... معرفی کرده‌اند (رضاخانی، ۱۳۹۳؛ بدیعی، ۱۳۸۱). در هیچ یک از این مطالعات، به نقش فرایندهای اجتماعی و فضا توجه نشده است؛ اما می‌توان گفت این مطالعات، مقاله حاضر را در دسته‌بندی و بیان ویژگی‌های فضای میانی یاری رسانده است. مقاله حاضر، سعی دارد با نگاهی متفاوت به مسئله فضای میانی بپردازد. فضای میانی در این تحقیق به عنوان یک فضای اجتماعی-فیزیکی که برگرفته و ساخته شده از فرایندهای اجتماعی است، مورد توجه قرار گرفته است. جانسون را می‌توان یکی از نظریه‌پردازانی دانست که تحولات و تغییرات اجتماعی را از دیدگاه کارکردگرایی بررسی می‌کند. جانسون در کتاب تحول انقلاب خود بیان می‌کند که علت بقای نظام اجتماعی در وحدت و هماهنگی ارزش‌ها و کارآمدی و توان ارزش‌ها در تحلیل مقتضیات زمانی است. از نظر کارکردگرایان، وقتی نظام، ارزش‌های کارآمد خود را در تحلیل و تفسیر زمان و جامعه از دست بدهد، نظام نامتعادل می‌شود؛ یعنی بین توان تحلیلی ارزش‌ها و شرایط محیطی فاصله می‌افتد. در اینجاست که تحول، اتفاق می‌افتد (یزدخواستی، اسماعیلی، ۱۳۸۷؛ ۱۴۱). مطالعات انجام شده در حوزه نظریه کارکردگرایی جانسون در تبیین علل بروز انقلاب‌ها در ایران و جهان، مورد توجه بسیاری از محققین قرار گرفته است. آنچه در این قسمت، مهم است، پرداختن به عصر قاجار است. مقاله «تبیین ریشه‌های اجتماعی اقتصادی انقلاب مشروطه»، علل اجتماعی اقتصادی وقوع انقلاب مشروطه را در چهارچوب نظریه کارکردگرایی چالمرز جانسون، تبیین می‌کند و عوامل بسیاری چون سیاست‌های خارجی، ارتباط با جهان غرب از طریق تجارت، مسافرت و تحصیل، آموزش به سبک غربی در آن مهم دانسته شده‌اند (ملائی توانی، ۱۳۹۵: ۱۳۶-۱۳۹) و در مقاله دیگری تحت عنوان «نقد و بررسی تحول انقلابی جانسون»، به عوامل مثبت و منفی نظریه جانسون پرداخته می‌شود (باقری، ۱۳۹۱). با توجه به مطالب گفته شده، از سه بخش بیان شده در بالا می‌توان مدل زیر را استخراج و از آن در راهبرد رساله یاری جست.

هینن (۲۰۱۳)، در تبیین رابطه بین فضا و فرایندهای اجتماعی در معماری، سه مدل ارائه کرده است: مدل اول، فضا پذیرنده فرایندهای اجتماعی، دوم، فضا ابزار و مدل سوم، فضا را صحنه فرایندهای اجتماعی معرفی کرده است. در مدل اول، فضا به عنوان یک پذیرنده نسبتاً خنثی از فرایندهای فرهنگی و یا اجتماعی و اقتصادی دیده می‌شود. در مدل دوم، ساختارهای فضایی را ابزارهایی برای کار با فرایندهای خاص اجتماعی در نظر می‌گیرد. این مدل، محیط‌ها را به شکلی فعال‌تر و در راستای اعمال تغییرات فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد. مدل سوم که به جنبه‌هایی از دو مدل اول و دوم می‌پردازد، محیط را صحنه‌ای تلقی می‌کند که در آن، فرایندهایی اجتماعی رخ می‌دهند. به همین ترتیب، ساختار فضایی بناها، محله‌ها و شهرها شکل گرفته و از تغییرات اجتماعی حادث می‌شوند (Heynen, 2013, 343). در کتاب‌ها و مقالات بسیاری، نظریه‌پردازان به بحث فضا و فرایندهای اجتماعی پرداخته‌اند که به برخی از آن‌ها به اختصار اشاره می‌شود: بیل هیلیر و هانسون^۴، در کتاب خود تحت عنوان «منطق اجتماعی فضا»، به رابطه بین عملکرد و معنای اجتماعی در ساختمان‌ها می‌پردازد و بیان می‌کند فرایندهای اجتماعی خلق‌کننده و ترتیب‌دهنده فضاهای معماری هستند. (Hillier & Hanson, 1984, 3)

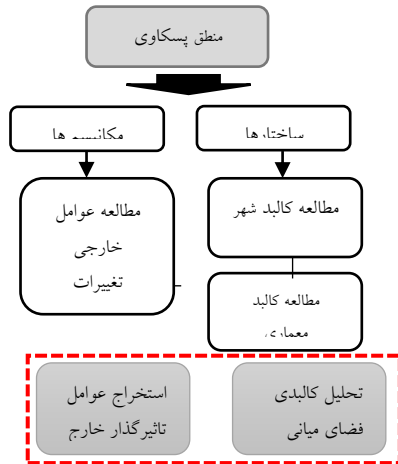
ماریا مندس^۵، در کتابی تحت عنوان «معماری و دانش اجتماعی» به نقش بین فضا و اجتماع می‌پردازد و فضا را عاملی مهم در فرایندهای اجتماعی می‌داند (Mendes, 2017)

اما مطالعات در حوزه فضای میانی در چند دهه اخیر از استقبال فراوانی برخوردار شده است. در این مطالعات، فضای میانی به عنوان عنصر، ارتباط دهنده معماری و شهر در مقیاس خرد و کلان شناخته شده (بلیان، ۱۳۸۸: ۱۷۵) و آن را دارای ویژگی‌های شکلی، کارکردی و معنایی می‌دانند (بلیان، ۱۳۸۷؛ سیاهگلی، ۱۳۹۵). در پژوهشی دیگر به نقش فضای میانی در مسکن سنتی و معاصر پرداخته شده و به پیامدهای منفی حذف این فضاها بر زندگی انسان‌ها اشاره شده است (ساسانی، ۱۳۹۳: ۸). در مطالعات، بسیاری از محققان فضاهای میانی را به عنوان مفصل، پیونددهنده درون و

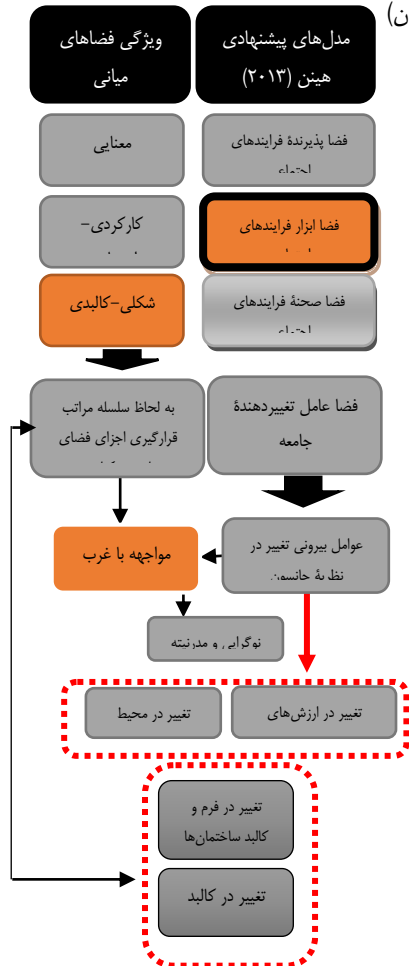


۵- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، کیفی و بنا به هدف تفسیری- تاریخی می باشد وانگ و گروت (۱۳۸۳)، تحقیق تفسیری تاریخی را اینگونه تعریف می کند: «کاوش پدیده های اجتماعی- کالبدی در درون سیاق های پیچیده، با عنایت به توضیح آن پدیده ها به صورتی روایی و شیوه ای کل نگرانه» (وانگ، گروت، ۱۳۸۳: ۶۸). تحقیق تفسیری تاریخی تنها راهبردی است که بیانگر چگونگی شکل دادن به روایتی است که رویداد های گذشته را تشریح می کند(همان). طرح تحقیق کیفی با یک اندیشه درباره پدیده ای که پژوهشگر در جستجوی آن است شروع می شود، همان طور که پیشتر بیان شد هدف این تحقیق نقش تغییرات اجتماعی بر دگرگونی فضاهای میانی خانه های مسکونی عصر قاجار می باشد. بنابراین تلاش محقق بر آن است که حقایق گذشته از طریق جمع آوری اطلاعات، ارزشیابی، بررسی صحت و سقم اطلاعات، ترکیب دلایل مستدل و تجذیه و تحلیل آنها به طور منظم و عینی ارائه کند و نتایج پژوهش قابل دفاع را در ارتباط با فرض یا فرضیه ویژه نتیجه گیری کند(نادری، سیف نراقی، ۱۳۸۵: ۱۱۰). با توجه به منطق تحقیق، می توان آن را در حوزه تحقیق پسکاوای قرار داد، که ساختارها و مکانیسم های تحقیق را مورد مطالعه قرار داده تا رابطه علی بین آنها را بیابد. برای این کار از یک مدل مفهومی بهره خواهد برد. گردآوری داده ها در این مقاله کتابخانه و اسنادی می باشد. شش نمونه از بناهای عصر قاجار که قابلیت بررسی داشته و پلان هایی از آنها در آرشیو میراث فرهنگی موجود بوده، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نکته مورد توجه این است که اکثریت بناهای به جامانده از این دوره برای افراد مرفه بوده و پلانی از خانه های مردم عادی چیزی در دسترس نیست. پیامد تحقیق به سبب اینکه قصد دارد شناختی در خواننده ایجاد نماید و یک نامشخصی را مشخص نماید، بنیادی-راهبردی است. مقاله از منظر زمان مقطعی (دوره قاجار) و محدوده مکانی آن، (شهر تهران) است.



نمودار ۱- فرایند انجام منطق پسکاوای در مقاله(مأخذ: نگارندگان)



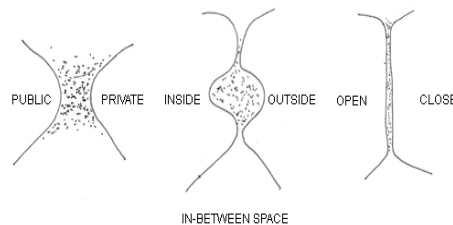
نمودار ۲- مدل مفهومی مستخرج از مطالعات. (مأخذ: نگارندگان)



۶- مبانی نظری:

۶-۱. تعاریف واژگان

واژه فضای میانی در فرهنگ لغات مختلف بر حسب کاربرد آن، تحت عنوان چیز یا کسی تعریف شده که میان دو چیز، دو شرایط یا دو گروه و دو حالت متضاد از هم واقع شده است که می‌توان آن را فضای واسط نامید. گروسز (۲۰۰۱)، به توصیف فضای میانی به عنوان یک محل عجیب می‌پردازد که دارای هم‌خوانی با سایر بخش‌ها است. او معتقد است این فضا، فاقد یک شکل هندسی خاص است و شکل آن از دو فضای (بیرونی و درونی) که آن را احاطه کرده، تعیین می‌شود مانند شکل زیر (Groz, 2001: 90).



شکل ۱- تعیین فضای میانی توسط دو انتهای مجزا (ماخذ: Groz, 2001: 90)

در تعریفی دیگر آمده: میان می‌تواند تحت عنوان نقطه واسط دو چیز از بعد زمان و فضا تعریف شود و یا نشانگر یک رابطه یا یک مقیاس باشد. میان می‌تواند به شکل «بودن در فضایی که بین یک چیز مشخص و چیز مشخص دیگر واقع شده است» تعریف شود (Collins, 2003: 48). میانی را می‌توان یک نقطه مرتبط‌کننده، مرزی، متمایزکننده، آستانه و یا خط تنش در نظر گرفت (Brookes, 2012).

۶-۲. مفاهیم معرف فضای میانی

رابطه میان فضای خصوصی^۶ و عمومی^۷، به عنوان یک نقطه مهم تلقی می‌شود که تعامل و ارتباط میان اجزا را شکل می‌دهد. از دیدگاه لنگ، مرز میان فضاهای عمومی و خصوصی به دلیل این واقعیت که یک سری مکان‌هایی که به صورت نیمه‌خصوصی و نیمه‌عمومی هم وجود دارند، همیشه مشخص نیست (lang, 2005: 6). راپاپورت، فضای میانی را توالی فضاهای بیرونی که شامل خیابان‌ها، محله‌ها، حصارها،

دروازه‌ها و ایوان و در فضاهای درونی که شامل ورودی و آستانه می‌شود، تعریف می‌کند. او همچنین میانی را یک مرز نفوذپذیر تعریف می‌کند که مهم‌تر از فضاهای عمومی و خصوصی است (Rapaport, 2007: 87). گروسز، فضای میانی را محلی برای رفت‌وآمد و این محل را مکانی برای تغییرات اجتماعی، فرهنگی و محیطی می‌داند (Groz, 2001: 92). نورالدین، فضای میانی را «رابط میان فضاهای درونی و بیرونی» توصیف می‌کند؛ این فضاها به فضای خصوصی درونی و فضای عمومی بیرونی متصل هستند. حیاط به خیابان متصل است؛ بنابراین به یک فضای میانی تبدیل شده که فضای خصوصی را به خیابان متصل می‌سازد (Noorddin, 2002: 55). لو، رابطه بین درون و بیرون را در فهم فضای میانی بسیار ضروری می‌داند و معتقد است که فضای میانی ارتباط میان درون و بیرون را تغییر می‌دهد (Lo, 1986). آرنهیم، در ارتباط با فضای میانی بیان می‌کند که دو کلمه درون و بیرون معرف یک دوگانگی در تجربه مستقیم است. درون و بیرون نمی‌توانند در یک زمان دیده شوند. این امر ما را به سوی درک فضایی سوق می‌دهد که میانی است (Arnheim, 1966: 3). هیجر و ریچندریپ (۲۰۰۱)، از فضای میانی به عنوان آستانه‌ای یاد می‌کنند که در آن افراد با یکدیگر برخورد کرده و به تعامل می‌پردازند. آن‌ها بیان می‌کنند که آستانه نقش انتقال، اتصال و عبور را بر عهده دارد که باعث پیوند افراد می‌شود (Hajer and Reijndorp, 2001). یان گل در کتاب معروف خود تحت عنوان «زندگی در میان ساختمان‌ها»، به فضاهای میان ساختمان‌ها اشاره می‌کند و آن‌ها را محلی برای انجام فعالیت‌های ضروری، اختیاری و اجتماعی بیان می‌کند. گل معتقد است که فضاهای میانی با تغییر در موقعیت جامعه تغییر می‌کند و در ادامه، فضاهای میانی را نه فضای عمومی و نه خصوصی تعریف می‌کند. در واقع از نظر او این فضاها محلی برای تعامل بین افراد هستند (Gehl, 1996: 18-25). سالینجر (۲۰۰۰)، لبه‌ها و سطوح مشترک را به مثابه فضای میانی می‌داند که تعریف‌کننده فضا و فرم‌دهنده ساختمان شبکه شهری هستند. هال ورودی خانه‌ها، پیشخان ورودی، حیاط جلویی و پشتی و پیاده‌رو همگی فضای واسطه‌ای را



تشکیل می‌دهد که به سایر عناصر شهری متصل می‌شوند (Salingaros, 2000). لیدا بلیان، این فضا را سازمان‌دهنده و پیونددهنده مجموعه‌های معماری و شهری در گذشته بیان می‌کند که همچون غشای سلول وظیفه دریافت، تفسیر، تغییر، تبدیل و تحول داده‌ها را دارد (بلیان، ۱۳۹۴: ۱۷۰). اسماعیل (۲۰۱۲)، معتقد است «یک فضای نیمه‌عمومی-نیمه‌خصوصی می‌تواند برای مصرف‌کنندگان بسیار با معنا و مهم باشد. فضای حاصل متأثر از فرهنگ، باورها و تجربه گذشته ساکنان آن است» (Ismail, 2012: 776) ملکی و همکاران (۲۰۱۵)، از فضای میانی از اصطلاح نیمه‌عمومی-نیمه‌خصوصی یاد می‌کند و بیان می‌کند این فضا را می‌توان فضای بین محوطه عمومی خارج از خانه و یک فضای خصوصی درونی دانست (Maliki et al, 608: 2015) با بررسی مطالب بالا، می‌توان نتیجه گرفت که فضاهای میانی هم شکل‌دهنده تعاملات اجتماعی هستند و هم براساس روابط اجتماعی شکل می‌گیرند و طبق گفته گروسز (۲۰۰۱)، محلی برای نمایش تغییرات اجتماعی، فرهنگی و محیطی هستند؛ بنابراین می‌توان از آن‌ها به عنوان فضایی اجتماعی-فیزیکی یاد کرد که هم دارای ویژگی‌های اجتماعی (جامعه‌شناختی، جغرافیایی) و هم دارای ویژگی‌های فیزیکی (شکل و کالبد) است.



شکل ۲- سلسله مراتب فضایی میانی از شهر تا خانه در خانه‌های سنتی ایران. (مأخذ: نگارندگان)

۳-۶. فضای اجتماعی^۸ و فیزیکی^۹

کولکوهن^{۱۰}، واژه فضای شهری را به دو گونه تعریف می‌کند: فضای اجتماعی و فضای ساخته‌شده و مصنوعی. فضای اجتماعی «تداعی‌های فضایی نهادهای اجتماعی» است که مورد مطالعه جامعه‌شناسان و جغرافی‌دانان است (Colquhoun, 1989: 223). تمایل این دیدگاه، دیدن ویژگی‌های فیزیکی محیط مصنوع به عنوان «فرآیندهای» است. از سوی دیگر فضای مصنوع متوجه

فضای فیزیکی است؛ بدین ترتیب آنچه که مورد توجه معماران است «مورفولوژی فضا، ساخت، طریقی که فضا بر ادراک ما اثر می‌گذارد و شیوه به کارگیری فضا و معانی که می‌توان از آن استخراج کرد». به گفته کولکوهن، «این دیدگاه به دو رویکرد می‌انجامد: آنکه فرم‌ها را مستقل از کارکرد می‌بیند و آنکه کارکردها را تعیین‌کننده فرم‌ها می‌داند» و در ارتباط متقابل فرم و کارکرد است که دیدگاه دوم به رویکرد جغرافی‌دانان و جامعه‌شناسان نزدیک می‌شود؛ اما بی‌شک به آن‌ها، «معمار همواره عاقبت به فرم علاقه دارد؛ به نحوی که فرم‌ها تولید شوند» (همان، ۲۲۴). با دقت در مطالب بالا می‌توان گفت، که معماران، توجه خود را روی فضای فیزیکی و جامعه‌شناسان و جغرافی‌دانان، تمرکز خود را بر روی فضای اجتماعی معطوف کرده‌اند. با این حال جدایی میان فضای فیزیکی و فضای اجتماعی، شکاف میان معماری و علوم اجتماعی را در مباحث مربوط به فضا افزایش می‌دهد؛ لذا باید فضای فیزیکی و اجتماعی را در ارتباط با هم دید نه در تقابل با هم. ژیلنیتس (۱۳۹۴)، در ارتباط با این موضوع بیان می‌کند: «مناسبات اجتماعی باید به هر حال در جایی اتفاق بیفتند» و آنجا، جایی است که همیشه در فضای اجتماعی قرار می‌گیرد و این فضای اجتماعی، خنثی نیست و جایی است که باید توسط اقدامات انسان پر شود. به همان طریقی که فضا به واسطه مناسبات انسانی شکل می‌گیرد، مناسبات انسانی هم به وسیله فضا شکل می‌گیرد. با این وجود، فضایی که در آن ساکن هستیم، از آن استفاده می‌کنیم و در زندگی روزمره‌مان آن را تصور می‌کنیم، ذاتاً اجتماعی است (ژیلنیتس، ۱۳۹۴: ۱۴). به اعتقاد لوفور، فضای اجتماعی محصول اجتماعی است و هر جامعه و شیوه تولیدی، تولیدکننده فضای خاص خودش است. در ادامه می‌گوید که سازماندهی محیط و جامعه، همچنین الگوی شهرها و مناطق، همگی به فضای تولید و نقش آن در بازتولید شکل‌گیری اجتماعی-اقتصادی وابسته‌اند (مدنی‌پور، ۱۳۹۲: ۲۳). ادوارد سوچا^{۱۱}، با تأسی از لوفور، فضای اجتماعی را جدا از فضای فیزیکی و شناختی نمی‌داند. او بیان می‌کند که فرایندهای طبیعی و زیستی، جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند و زندگی اجتماعی هیچ‌گاه رها از فضای فیزیکی نیست (افروغ، ۱۳۹۶: ۵۵-



۴-۶. تغییر و تحولات اجتماعی در علوم اجتماعی دو برداشت از تغییر اجتماعی وجود دارد: یک برداشت به مفهوم وسیع و دیگری به مفهوم محدود. تغییر اجتماعی به مفهوم وسیع، معمولاً در نظریه‌های فرهنگی و مردم‌شناسی تقریباً همان معنی گذار تاریخی دارد. جامعه‌شناسانی که اصطلاح تغییر اجتماعی را در سطح وسیع کلمه به کار می‌برند، سعی‌شان بر این است که اختلافات نظام‌های سازمان اجتماعی را در طول تاریخ نشان دهند و کوشش می‌کنند که منابع و قواعد و نظمی را که در تغییر شکل یک نظام به نظامی دیگر مؤثر بوده، باز شناسند و با تمایزات، مناسبات اجتماعی-اقتصادی را آنگونه که در نگرش مارکس مطرح است، نشان دهند. در تغییر اجتماعی به معنی دوم، به معنی محدود کلمه که بیشتر توسط جامعه‌شناسان جدید به کار گرفته می‌شود، تاریخ مد نظر نیست؛ بلکه تغییراتی که منحصر به واقعیت‌های اجتماعی یک دوره است، مورد توجه است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸: ۲۹). گوی روشه، بین تحول اجتماعی^{۱۲} و تغییر اجتماعی^{۱۳} تفاوت قائل می‌شود. تحول اجتماعی از نظر او، مجموعه‌ای از تغییرات اجتماعی است که در طول یک دوره طولانی، طی یک و یا شاید چند نسل در جامعه رخ می‌دهد؛ بنابراین پروسه‌ای است که در یک زمان کوتاه نمی‌توان آن را ملاحظه کرد (روشه، ۱۳۹۷: ۲۶). اما در تعریف تغییر اجتماعی، بیان می‌کند که تغییری است که قابل رؤیت در طول زمان به صورتی که موقتی و یا کم‌دوام نباشد، بر روی ساخت و یا وظایف سازمان اجتماعی یک جامعه اثر گذارد و جریان تاریخ آن را دگرگون نماید (همان، ۳۰).

۵-۶. فضا ابزار از دیدگاه هینن (۲۰۱۳)

با توجه به رویکرد مقاله که در قسمت پیشینه به آن اشاره شد، لازم است این رویکرد به اختصار توضیح داده شود:

هینن (۲۰۱۳)، در توضیح این رویکرد بیان می‌کند که فضا در برگیرنده جنبه‌های فیزیکی و نمادین است و می‌تواند محیط را تحت کنترل ساکنان درآورد. او فضاهای قابل دفاع اسکار نیومن را نمونه بارزی از فضا ابزار معرفی می‌کند. استفاده از معماری به عنوان یک ابزار برای تغییر جامعه، ایده‌ای متداوم در میان

(۵۶). با توجه به مطالب بالا، می‌توان گفت فضا، متأثر از شرایط اجتماعی است و متناسب با آن شکل می‌گیرد؛ پس فضا و شکل آن، تابع شرایط اجتماعی است که در آن واقع است. فضاهاى نیمه‌عمومی-نیمه‌خصوصی (میانی) نیز شکلی از فضای اجتماعی هستند.

جدول ۱: مفاهیم و ویژگی‌های فضای میانی و نمودهای کالبدی آن. (مأخذ: نگارندگان)

نظریه پردازان	مفاهیم و ویژگی های فضای میانی	نمود کالبدی فضای میانی
گروسز (۲۰۰۱)، آرنهیم و همکاران (۱۹۶۶)، هیجر و ریچندرپ (۲۰۰۱)، استیون (۲۰۰۷)، یان گل (۱۹۹۶)، هابراک ن (۱۹۹۱)، نورالدین (۲۰۰۲)، لیبالیلان (۱۳۸۸)، پور، رادولف، راپاپورت و دیگران	محلّی برای تغییرات اجتماعی، فرهنگی و طبیعی، فضایی برای فعالیت‌های اجتماعی، اختیاری و ضروری، تغییر دهنده و ارتباط دهنده درون و بیرون، رفای قلمرو؛ فضایی که هم عمومی و هم خصوصی است. مرز میان درون و بیرون برای ادراک، حرکت و برخورد‌های اجتماعی. فضاهای نیمه عمومی و نیمه خصوصی، احساس تملک و امنیت ساکنان، فضایی جهت گردهمایی و تماس با یکدیگر پیوند دهنده عناصر شهری و معماری	حداصل خانه و خیابان: (اتصال نماهای ساختمان به صورت مستقیم به خیابان، اتصال بنا به خیابان با استفاده از بخشی از فضای داخلی مانند حیاط مرکزی و وجود فضای باز میان خیابان و بنا مانند حیاط جلویی)، لابی، بن بست های اختصاصی که به چند خانه متصل است. گذرها و پیاده-روهای خانه ها، پله ی ورودی که قلمرو عمومی و خصوصی را از هم تفکیک می‌سازد.



مدرن‌گراها به‌ویژه مدرن‌گراهای چپی مثل برونو تات و ارنست می‌دانست، آن‌ها امیدوار بودند که طرح‌های جدید آن‌ها بتوانند عادات قدیمی را از طریق اعمال اشکال جدید (معماری باز و شفاف، الگوهای معماری مدرن)، به‌دست فراموشی بسپارند. موافقان جنبش مدرنیسم در حقیقت شیفته این ایده آرمان‌شهری بودند که معماری می‌تواند تغییرات اجتماعی را تقویت کند و اهرم تغییر جامعه باشد. لوکور بوزیه نیز چنین دیدگاهی داشت که می‌خواست سیاست‌مداران را به این تفکر معتقد سازد. این آرزوی معماران مدرنیست برای استفاده از شیوه‌های جدید در زندگی مردم از سوی برخی سیاست‌مدارانی که به معماری و شهرسازی برای اعمال سریع مدرنیزاسیون در کشور توجه داشتند، به‌کار گرفته شد. لوفور (۱۹۹۱)، این نوع فضا را تحت عنوان «فضای انتزاعی» می‌بیند. فضایی که سرشار از حس طبیعت و تجربه زندگی است؛ جایی که قدرت گرفته از یک اصل فضایی است که موجب سروسامان‌دهی و نظم می‌شود. ساخت شهرهای جدیدی مثل آنکارا، برازیلیا و کانبرا نیز بر همین اساس است. در همه این نمونه‌ها، ساخت یک شهر جذاب مدرن جدید، آمال‌های عده کثیری از مردم را تحت تأثیر خود قرار داد تا گذشته را فراموش کرده و خود را با اصول جدید شهرنشینی وفق دهند. در همین حال، شهروندان و مسئولین در آپارتمان‌های مدرن تازه ساخته‌شده، ساکن شده و به سوی سبک‌های زندگی جدید و به‌کارگیری شیوه‌های مدرن زندگی، تشویق شدند (Heynen, 2013, 346).

۷- مطالعات و بررسی‌ها

۷-۱. تغییرات اجتماعی عصر قاجار

این بخش با مروری بر تحولات اجتماعی عصر قاجار با توجه به دیدگاه جانسون، بیان خواهد شد؛ سپس در ادامه به نمودهای آن در معماری و شهرسازی، پرداخته خواهد شد.

منابع خارجی تغییر در ارزش‌ها را می‌توان وسایل ارتباط جهانی، آثار بروز انقلاب در همسایگی یک جامعه، فعالیت‌های گروه‌های سیاسی بین‌المللی مانند احزاب کمونیست و... بیان کرد. از دیگر نمونه تغییرات بیرونی ارزشی که از تماس‌های فرهنگی حاصل می‌شوند، می‌توان به مسافرت و تحصیل در خارج اشاره کرد که به

تغییر در ارزش‌ها در دانشجویانی که به اروپا سفر کرده بودند، منجر شد (جانسون، ۱۳۶۳: ۷۴). زمانی که منبع اصلی تحول، نخستین اثر خود را بر محیط باقی می‌گذارد، آن را باید به عنوان منبع تغییر شرایط محیطی از خارج یا داخل نظام شناسایی کرد (همان: ۷۵). در عهد قاجار برخورد با غرب، آشنایی با انقلاب کبیر فرانسه و نیز انقلاب صنعتی (که از درون آن پرورانده‌شده) سبب آسیب دیدن اندیشه‌های سنتی و ایجاد شکاف عمیقی در باورها و رفتارهای سیاسی شد. در عرصه اقتصادی نیز با اعطای امتیازات انحصاری به انگلیس و روسیه، انهدام صنایع داخلی در اثر واردات بی‌رویه محصولات فرنگی و کاهش صادرات محصولات کشور و نیز افزایش وام‌های گزاف از دولت‌های غربی برای تأمین مخارج دولت و دیگر عوامل، بحران اقتصادی در کشور ایجاد شد. تشکیل مدارس نوین، اعزام دانشجو به خارج و نیز آمدن مدرسان غربی برای آموزش‌های نظامی و غیرنظامی، تأسیس روزنامه‌های مختلف در کشور و ترجمه متون غربی که شامل رمان‌ها و کتاب‌های دیگر بود، سبب بیداری افراد و مقایسه ایران با پیشرفت‌های صورت‌گرفته در غرب شد و زمینه‌های نارضایتی را باز کرد و در نهایت موجب شکل‌گیری انقلاب مشروطه شد.

با توجه به نظریه جانسون و نیز مختصری از تحولات بیان‌شده از عصر قاجار، تغییرات اجتماعی این دوره را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: عامل اول، نفوذ سیاسی-اقتصادی دول غربی، عامل دوم، نقش و تأثیر آموزش‌های جدید و عامل سوم، تأثیر انقلاب صنعتی که در نتیجه انقلاب‌های رخ داده در غرب بوده است. همه این عوامل، منجر به اصلاحات و نوسازی اساسی در زمینه‌های مختلف شده و تأثیرات خود را بر محیط نیز به جای گذاشته است. آبراهامیان معتقد است، نفوذ اقتصادی غرب، بیشتر بازارهای شهری را تهدید کرده و به تدریج تجار و بازرگانان پراکنده محلی را در قالب طبقه متوسط فرامحلی، یک پارچه ساخت؛ طبقه‌ای که اعضای آن برای نخستین بار از دردها و مشکلات مشترک خود آگاه شده بودند. این طبقه متمول، به لحاظ پیوندهایش با اقتصاد سنتی و ایدئولوژی سنتی تشیع، در سال‌های بعد به طبقه متوسط سنتی معروف شد (آبراهامیان، ۱۳۹۸: ۶۵). ایران در دوره سلطنت ناصرالدین شاه افزون‌بر آنکه



آغازین قاجار، از سر عقل و منطق برای بالندگی جامعه با حفظ ارزش‌های اسلامی آن، برای دستیابی به طرز تفکر تازه، تسخیر عناصر مثبت تمدن فرنگ و انجام اصلاحات تلاش می‌کردند. در این مرحله، طیف گسترده‌ای از برخورد با فرهنگ غرب پدید آمد:

- در برخوردهای نظری و عملی با فرهنگ غربی، رجالی دوشخصیتی پدید آمدند که در وجود خود نیمی باور به غرب و نیمی باور به فرهنگ ایرانی - اسلامی داشتند.
- گروهی پدید آمدند که تا مرز پاک‌باختگی و شیفتگی به غرب پیش رفتند و غرب‌گرا شدند. این جریان را می‌توان جریان تجدد (نوگرایی) یا خواست تحول شیوه زندگی سنتی و قبول اروپایی‌گری سطحی نام نهاد.
- عده‌ای نیز برای رهایی از استبداد، راه مشروطه‌خواهی را در پیش گرفتند. این جریان را می‌توان جریان لیبرالیستی (آزادی‌گرایانه) با خواست حکومت مشروطه نامید (مؤمنی، ۱۳۸۷؛ انصاری، ۱۳۹۵: ۲۵). با شکل‌گیری این شخصیت‌های دوگانه در بطن جامعه، به‌وجود آمدن معماری و شهرسازی التقاطی، دور از انتظار نخواهد بود که در قسمت بعدی به آن خواهیم پرداخت.

عامل بعدی، که باید به آن اشاره کرد، نقش انقلاب فرانسه و نتایج حاصل از آن در شکل‌گیری تمدن جدید است که تأثیر جدی بر دگرگونی اجتماعی جامعه ایران در دوره قاجار داشت. هانا آرنت، درباره اهمیت انقلاب فرانسه می‌نویسد: «واقعه‌ای که پیوندهای میان دنیای نو و کشورهای دنیای قدیم را از هم گسست، انقلاب فرانسه بود» (آرنت، ۱۳۹۷: ۳۱۰). لورنس کاپلان می‌گوید: «اقتصاد جهان در قرن نوزدهم، بیشتر تحت تأثیر انقلاب صنعتی بریتانیا و سیاست و ایدئولوژی آن بیشتر تحت تأثیر انقلاب فرانسه شکل گرفت. انقلاب فرانسه، راهگشای انقلاب‌های جهان شد و افکار و عقاید انقلابی را به جهانیان عرضه نمود» (کاپلان، ۱۳۷۵: ۱۸۱).

جنبش رنسانس، اصلاح دینی، روشنگری و انقلاب صنعتی از زمینه‌های شکل‌گیری تمدن متجدد هستند که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان انقلاب صنعتی دانست. این

با نتایج شوم عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای و عوارض جنگ‌های متوالی دوران فتحعلی‌شاه دست به گریبان بود، شاهد استبداد گسترده داخلی توسط دربار و حکام محلی نیز بود و از نظر سیاست خارجی به عرصه رقابت روس و انگلیس برای کسب امتیازات اقتصادی و اجتماعی هرچه بیشتر تبدیل شده بود. نفوذ سیاسی و اقتصادی دولت‌های بیگانه در ایران در این دوره به حد اعلا رسید و استقلال و حیات اقتصادی ملت ایران به شدت متزلزل شد (پاکزاد، ۱۳۹۵: ۶۱). انگلستان با استفاده از قدرت نظامی در رسیدن به هدف دیپلماتیک و استراتژیکی خویش، در نیمه سده نوزدهم (۱۱۷۹ تا ۱۲۷۹ ش)، تفوق تجاری خود در ایران را هم تثبیت نمود. دادوستد بریتانیا با ایران در نیمه نخست سده نوزدهم در خلیج فارس و نیز در مسیر بازارهای پرجمعیت شمالی، سیر صعودی شتابنده‌ای پیدا کرد. در دهه ۱۸۵۰، انگلستان بزرگ‌ترین طرف تجاری ایران بود و ۵۰ درصد یا بیشتر صادرات و بیشتر از ۵۰ درصد واردات ایران را در دست داشت (فوران، ۱۳۹۸: ۱۷۶ و ۱۷۴). سلطه بی‌حدومرز روسیه بر عرصه اقتصادی نیز در آستانه جنگ جهانی اول به صراحت توسط انتنر بیان شده است: «ایران تا حد چشمگیری در امتداد روسیه قرار داشت و بخشی از اقتصاد آن کشور محسوب می‌شد» (همان، ۱۷۸).

تماس‌های فکری و ایدئولوژیکی با غرب از طریق نهادهای نوین آموزشی، زمینه رواج مفاهیم و اندیشه‌های جدید، گرایش‌های نو و مشاغل جدید را فراهم ساخت (آبراهامیان، ۱۳۹۸: ۶۶). تأسیس دارالفنون و دیگر نهادهای آموزشی و نیز اعزام دانشجویان به خارج، دست کم در سه سطح، جامعه و حکومت ایران را تحت تأثیر قرار داد؛ نخست، موجب تحول عقلانی جامعه و تضعیف علوم سنتی آن زمان شد؛ دوم، از طریق نگارش و ترجمه آثار علمی جدید، دامنه دانش غربی در کشور وسیع گشت و دریچه‌ای به سوی علوم و تفکر نوین گشوده شد؛ سوم، صنف تازه‌ای از دانش‌آموختگان پدید آمدند که عمدتاً نوگرا، تحول‌خواه و روشنفکر بودند (آدمیت، ۱۳۶۲: ۳۵۴-۳۵۵). روشنفکران در مواجهه با فرهنگ و تمدن غربی، راه‌های متفاوتی را در پیش گرفتند. در درون جامعه سنتی شهرهای بزرگ کشور با رجال آزموده دوره



انقلاب حدوداً از ۱۷۵۰-۱۸۵۰ به طول انجامید و تمامی حوزه‌ها و عرصه‌های زندگی را متحول نمود و موجب بروز پیامدهای فرهنگی، شهرنشینی، ارتباطات و... شد. تحولات صنعتی در واقع نمود عینی علم جدید است؛ البته این تحولات تنها به حوزه فناوری مربوط نمی‌شد؛ بلکه تمامی حوزه‌ها و عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی را دچار دگرگونی و تحولات مهیب ساختاری کرد. در واقع اختراعات جدید و نیل به ابزارآلات پیشرفته صنعتی و گسترش کارخانه‌های بزرگ و... موجب بروز لوازم و پیامدهای فرهنگی عظیمی شد که خود را در زیرورو شدن ساختارهای جمعیتی و در شهرنشینی، ارتباطات، مناسبات انسانی، سبک زندگی اخلاقی، خانوادگی، دینی و... نشان داد (Moghtader, 1996).

با توجه به هر سه مورد گفته شده در بالا، می‌توان به نقش پر رنگ غرب در دگرگونی اجتماعی و تحولات رخ داده در عصر قاجار اشاره کرد که تأثیر خود را با نوسازی و مدرنیزاسیون بر پیکر جامعه زد. نوسازی، به فرایند تغییرات اجتماعی اطلاق می‌گردد که براساس تجربه اروپاییان بر مبنای مدرنیته انجام شد و جوامع غربی را از جوامع سنتی به جوامع مدرن و توسعه یافته تبدیل کرد (یکتا، ۱۳۸۶: ۳۵). بشیریه در کتاب خود اینگونه بیان می‌کند: «نوسازی از عوامل برهم‌زننده تعادل اجتماعی است و اگر جامعه‌ای نتواند با استفاده از ساخت‌های نوین، روابط اندام‌وار متقابل برقرار کند، نارضایتی نسبت به عملکرد نهادهای مستقر و فروپاشی تعادل اجتماعی، اجتناب‌ناپذیر است» (بشیریه، ۱۳۶۹: ۵۳؛ ملائی توانی، ۱۳۹۱: ۱۴۴). تغییرات اجتماعی در غرب از رنسانس به این سو هم دارای یک چارچوب تئوریک بود که به تدریج تحت تأثیر پروتستانسیسم و مدرنیته توسط متفکران سیاسی غرب در دوران مدرن، معین و مشخص شد (یکتا، ۱۳۸۶: ۳۵). در ایران، نوسازی تحت تأثیر ایدئولوژی نوسازی وارداتی انجام شد و شبه‌مدرنیسم^{۱۷} را در ایران رقم زد که به صورتی سطحی و ناقص بود و نه همه‌جانبه، اساسی و ساختاری. این تغییرات، جامعه ایران را به‌طور سطحی از حالت سنتی خارج کرد.

۲-۷ تغییرات ایجاد شده در بستر شهر و معماری

۱-۲-۷ شهر:

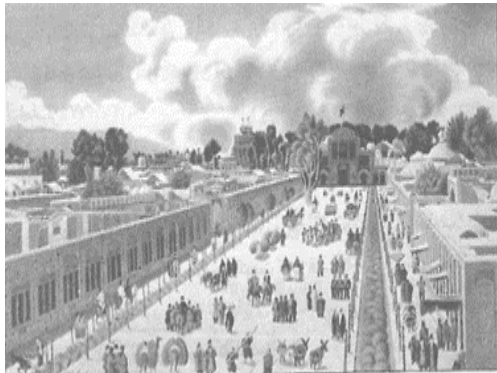
با توجه به تغییر شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه آن روز، معنای شهر نیز با تحولی عمیق مواجه می‌شود. تحولی که از شهر تهران آغاز می‌شود و تا سال‌های بسیار فرصت بروز در سایر شهرهای ایران را نمی‌یابد. در این دوره، نظام اقتصادی و سرمایه‌داری در ارتباط با جهان شکل می‌گیرد، و وابستگی شهر به روستا کم‌رنگ می‌گردد. در این دوره ساختار کلی شهرهای ایران دچار تغییرات عمده‌ای نمی‌شود و همچنان بازار، قلب تپنده شهرها به فعالیت ادامه می‌دهد؛ ولی در تهران وضعیت به گونه‌ای دیگر پیش می‌رود. با افزایش جمعیت در تهران که ابعاد آن در پی نخستین سرشماری رسمی نفوس و مسکن در سال ۱۲۵۶ هـ ش مشخص می‌گردد، به دستور شاه قاجار، برنامه‌ریزی و طراحی شهر جدید تهران صورت می‌گیرد. «این طرح زیر نظر صدراعظم و وزیر دارالخلافه در مدرسه دارالفنون تهیه می‌گردد. مسیو بهلر فرانسوی به تهیه نقشه دارالخلافه مامور می‌شود. برای اولین بار طرح پایتخت با شرکت و تحت نظر عنصر خارجی و اروپایی شکل می‌گیرد» (حبیبی، ۱۳۹۶: ۱۳۳). در نتیجه این گسترش، تهران پا در خارج از حصارهای شاه طهماسب گذاشت و در این گسترش، الگوی اروپایی در ایران مورد تقلید قرار گرفت.



شکل ۳- نقشه تهران، ناصرالدین‌شاه سال ۱۲۷۵ هـ ق براساس نقشه کرشیش (ماخذ: نوربخش، ۱۳۸۱: ۸۱۴).



اواخر دوره ناصرالدین شاه برای بار دیگر دگرگونی‌هایی در تهران پدید آمد، محلات دیگری در آن ساخته شد، کوچه‌ها سنگ‌فرش شد، معابر قدیم شوسه شد و به سبک خیابان‌های نئوکلاسیک اروپا، خیابان‌های جدیدی در تهران ساخته شد که مهم‌ترین شاخصه آن‌ها، عریض شدن و در نتیجه مستقیم شدن معابر بود (سلطان‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۶؛ رمضان جماعت، ۱۳۹۲: ۱۹۰). خیابان‌های جدید براساس الگوی اروپایی، انواع و اقسام خدمات شهری و تأسیسات آن زمان را در اختیار شهرنشینان قرار می‌داد؛ ضمن آنکه هنوز حالت تفریحی این خیابان‌ها نسبت به عملکرد عبوری سواره، غلبه و نمود بیشتری داشت (پاکزاد، ۱۳۹۵: ۸۳). خیابان‌های جدید، محل رفت‌وآمد آن دسته از اقشار جامعه می‌شوند که تجدد و فرنگی‌مآبی را نمایندگی می‌کنند و مجموعه کهن شهری (بازار)، محل تردد اکثریت جامعه که هنوز بر مبنای الگوی کهن زیست و تولید که کاملاً مسلط نیز هستند، می‌زیند (حبیبی، ۱۳۹۶: ۱۳۹).



شکل ۶- خیابان باب‌همایون، نماد شهرسازی غربی در ایران؛ شکل‌گیری فضای تعاملی جدید (مأخذ: بانی مسعود، ۱۳۹۴: ۹۸).

مادام اس. وولفسن در کتاب «ایرانیان در گذشته و حال» می‌نویسد: «بهترین منطقه تهران، منطقه اروپاییان است. یکی از دو خیابان شمال شرقی که وارد میدان توپخانه می‌شود، به این نام مشهور است (خیابان فردوسی فعلی). در این خیابان، اغلب اروپاییان منزل دارند و سفارت‌های خارجه و مؤسسات متفرقه هم در آنجا واقع شده. دیوارهای ناهموار و یک‌نواخت گلی در این خیابان‌ها دیده نمی‌شود و قسمت عمده ابنیه و عمارات به طرز اروپایی، رو به خیابان نگاه می‌کنند. گاه‌گاه در ردیف درشکه در خیابان و معابر، اتومبیل هم دیده می‌شود»



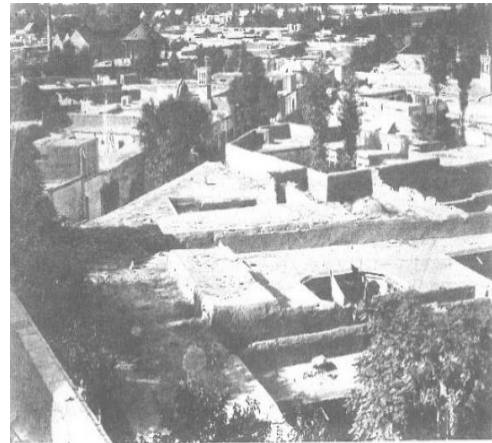
شکل ۴- نقشه دارالخلافه ناصری از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۹ ه. ق گسترش تهران از چهار سمت (مأخذ: حبیبی، ۱۳۹۶: ۱۲۹) در این شکل نوین از توسعه شهری، عناصر جدید نظیر خیابان و میدان که توسط ساختمان‌هایی محصور و تعریف می‌شوند، به کار گرفته شده‌اند. طراحی این ساختمان‌ها متناسب با فضای شهری موجود و بناهای اطراف انجام می‌گرفته و سیمای شهری و نمای خیابانی هماهنگ و متجانسی را به سبک خیابان‌ها و میدان‌های غربی ایجاد نمودند. این ساختمان‌ها اکثراً دو طبقه و به شکلی برون‌گرا بودند که به خیابان‌ها و میدان‌ها اشراف داشته و به سمت آن‌ها باز می‌شدند (پاکدامن، ۱۳۷۳: ۵۹).



شکل ۵- نمونه‌ای از خانه‌های دو طبقه در دوره قاجار که رو به گذر اصلی قرار دارد؛ کاملاً برون‌گرا (مأخذ: رمضان جماعت و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹۳).



(کریمان، ۱۳۵۵: ۲۸۰). باید این موضوع را خاطر نشان کرد که بیشترین تغییرات در حوزه معماری و شهرسازی در دوره ناصرالدین شاه به انجام رسید. در دوره مظفرالدین شاه به علت خالی بودن خزانه، اقدامات عمرانی رو به ضعف نهاده شد. با توجه به تبنی دولت استعماری (انگلیس و روسیه) با هم، دیون سنگین دولت و اوضاع نابه سامان جامعه، صحبت از عمران و آبادانی معنایی نداشت و محدود به پاره‌ای از اقدامات رجال وطن پرست می‌گردید. از مهم‌ترین ساخت‌وسازهای کالبدی مناسب در عرصه شهری، استقرار عناصر حکومتی و خدماتی جدید و تغییر منظر شهرها با اجرای برنامه‌های عمرانی و عملیاتی در این دوره است (راهنمایی، ۱۳۸۸: ۱۵۰).



شکل ۷- بافت مسکونی در شمال دارالخلافه ناصری، گذرهای عریض شده در بافت سنتی (مأخذ: قبادیان، ۱۳۹۳: ۸۰) ۲-۲-۷ معماری:

دوره اول تغییر، زمان حکومت فتحعلی شاه است. در این زمان، تهران از کوچکی قبل از پایتخت شدنش بیرون رفت و اراضی داخل خندق دیوار شهر کم کم به ساختمان تبدیل شد. شاه هم به نوبه خود در اراضی داخل خندق، ارگ برای دستگاه سلطنتی خود که به ناچار توسعه یافته بود، بناهایی ایجاد کرد (مستوفی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۳۶). بیشتر ساختمان‌های ساخته شده در این دوره، قصرهای قاجاری هستند که به دستور شاه ساخته شده‌اند. با توجه به بناهای ساخته شده در این دوره، می‌توان رنگ‌وبوی معماری سنتی را پررنگ دید و فقط در نقاشی‌های آن‌ها، آثار و نقش‌های فرنگی دیده می‌شود.

دوره دوم، حکومت ناصرالدین شاه است که یکی از شاخص‌ترین دوره‌ها در حکومت قاجار به شمار می‌رود. در این عصر، یک تحول اساسی در معماری تهران صورت گرفت، و آن شکل‌گیری معماری است که تا قبل از آن در تاریخ ایران سابقه نداشت. ناصرالدین شاه از میان تمامی شاهان قاجار، بیشتر به معماری و ساختمان‌سازی علاقه نشان داده، چنانکه اکثر بناهای ادوار گذشته به امر او تخریب و به سلیقه زمان وی اصلاح شد (مستوفی، ۱۳۷۱: ۴۰۷). ویژگی‌های معماری این دوره را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: شکل پلان و نوع تزئینات تلفیقی از معماری سنتی و اروپایی است. نخست: پلان بناهای مسکونی همانند گذشته اما در تزئینات، نفوذ معماری غربی بیشتر نمایان است.

دوم: از اواخر عصر ناصرالدین شاه آغاز می‌شود. تأثیر باختر زمینی گاهی از عناصر اصیل ایرانی در معماری فراتر می‌رود؛ اما ذوق معماران ایرانی از تلفیق این دو سنت معماری غیرقابل چشم پوشی است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۰، الف، ج ۱: ۸۳).

دوره سوم معماری که به اواخر دوره قاجار معروف است، تلفیقی از معماری سنتی و غربی (التقاطی) محسوب می‌شود که ایجاد تغییر ماهوی در ساختار فضایی، تغییر در پلان، تلفیق عناصر و اشکال معماری غرب با معماری سنتی، استفاده از تکنیک‌ها و مصالح مناسب‌تر، از خصوصیات این سبک است (پاکدامن، ۱۳۷۶). با توجه به مطالب بالا، می‌توان گفت هرچه به اواخر دوره قاجار نزدیک می‌شویم تأثیر معماری غربی و غلبه آن بر معماری سنتی ایرانی بیشتر به چشم می‌خورد. با توجه به مطالعات انجام شده در معماری دوره قاجار، معماری این دوره از ابتدا تا انتها را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

- معماری که ادامه سبک اصفهانی است.
- معماری که الگوی سنتی و جلوه‌های معماری غربی دارد.
- معماری که با الگوی غربی و جلوه‌های معماری سنتی ساخته شده است.

۲-۳-۷- مطالعات شکلی - کالبدی فضاهای میانی برای ورود به مقوله تغییرات فضای میانی ابتدا مختصراً به تحولات شهری و معماری این دوره پرداخته شد، تا نقش





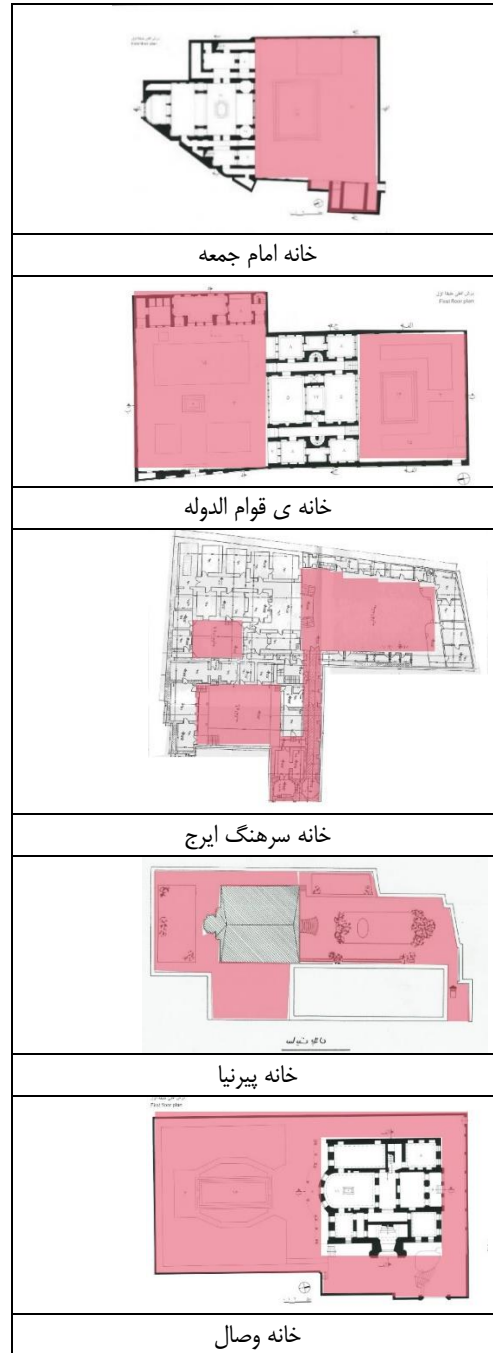
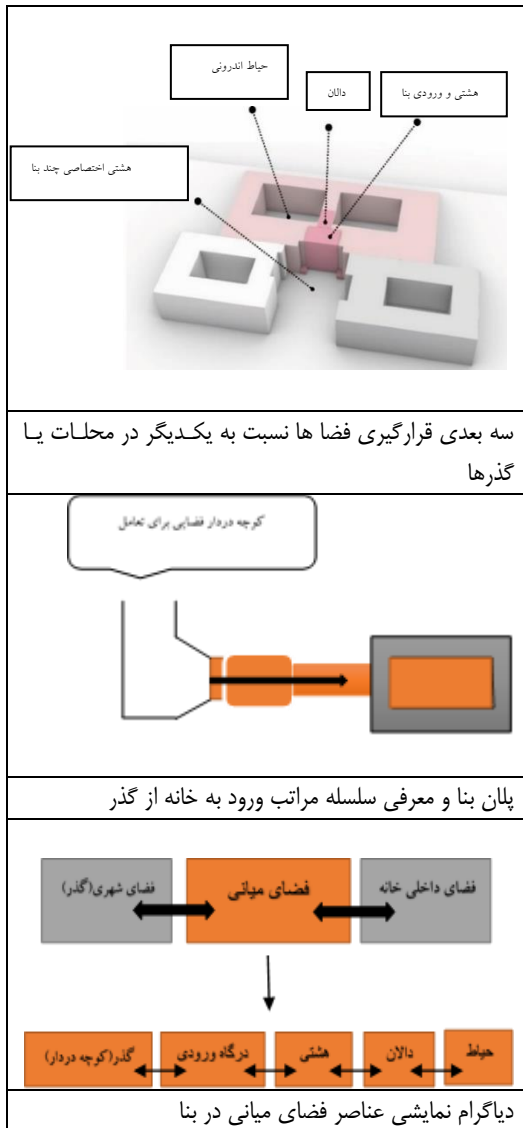
خانه ای برونگرا در محله عودلاجان

پرنگ شهر و معماری را در دگرگونی شکلی این فضاها لمس نمود. بناهای این دوره را می توان به چند بخش تقسیم نمود:

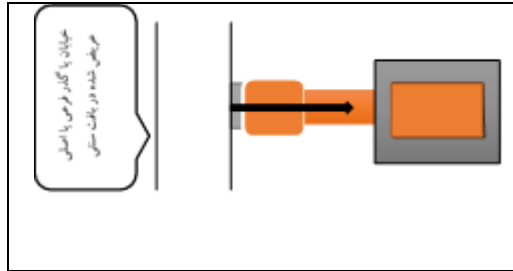
۱. بناهای ابتدایی دوره
۲. بناهای میان دوره
۳. بناهای اواخر دوره

جدول ۲- معرفی نمونه های موردی عصر قاجار(ماخذ: نگارندگان)

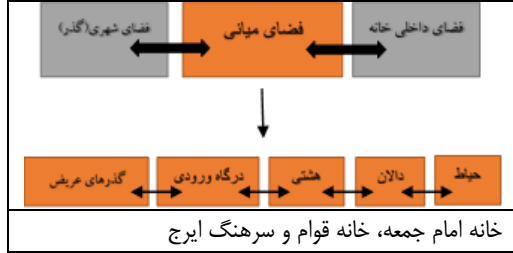
جدول ۳- تحلیل شکلی فضاهای میانی در بناهای اولیه(ماخذ: نگارندگان)



جدول ۴- تحلیل شکلی بناها در بناهای میان دوره(ماخذ: نگارندگان)

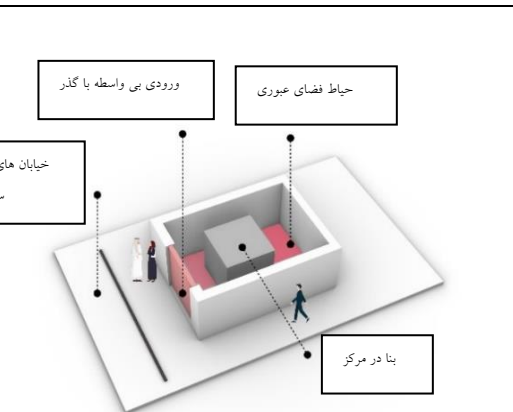


پلان بنا و نحوه قرارگیری عناصر فضای میانی

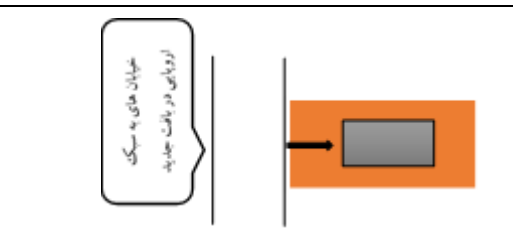


جدول ۵- الگوی بناها در اواسط تا اواخر عصر قاجار(ماخذ: نگارندگان)

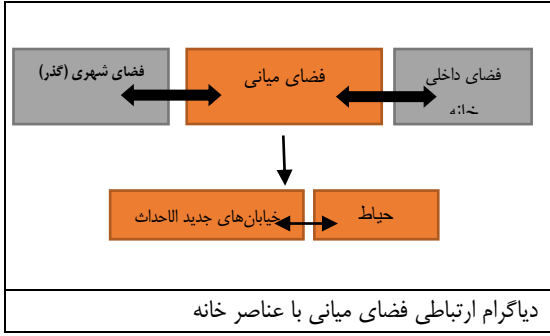
الگوی اول: بناهای کوشکی



سه بعدی قرارگیری بنا در سایت و ارتباط آن با گذر

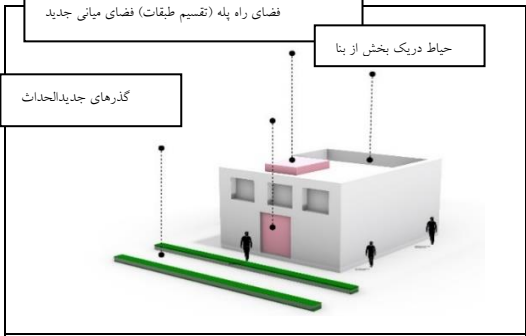


ارتباط پلان با سایت و نحوه قرارگیری آن

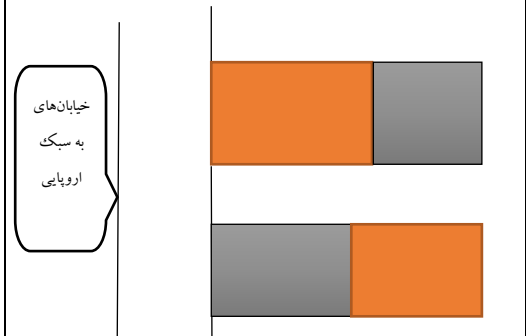
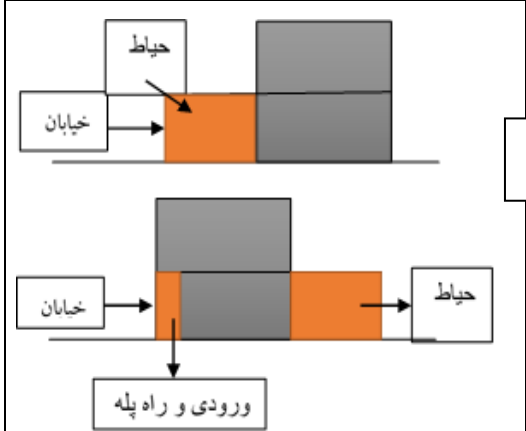


دیگرام ارتباطی فضای میانی با عناصر خانه

جدول ۶- الگوی دوم: بناهای خیابانی و کوشکی (ماخذ: نگارندگان)



سه بعدی بناهای خیابانی(برونگرا) و نمایش فضاهای میانی



نمایش مقطع و پلان فضاها در بناهای برونگرا



در ابتدای عصر قاجار که مرادوه با غرب پررنگ تر نبود در حوزه معماری و شهرسازی تغییرات محسوسی را نمی توان مشاهده نمود بنابراین فضاها به سبک پیشین ادامه حیات می دادند. از میانه دوره قاجار (عصر ناصری) که مهمترین تغییرات در حوزه ای مختلف رخ داده است، نقش پررنگ عوامل خارجی را می توان شناسایی نمود، عواملی چون مرادوات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با غرب، و نیز انقلاب صنعتی که نشانه های عینی بسیاری بر جامعه ایران داشت.

مرادوات سیاسی - اقتصادی و فرهنگی یکی از مهمترین عوامل در دگرگونی فضاهای میانی شناخته شده است. به واسطه ارتباطات سیاسی با دول غربی و حسنه شدن روابط غرب با ایران ساخت سفارت خانه ها در مناطق خوش آب و هوای تهران آغاز می شود، ساخت این بناها، الگوهای غربی مدنظر قرار می گیرد، بنابراین اولین سنگ بنای تحول در بناهای مسکونی رجال اعیان و اشراف در پایتخت زده می شود، که با الگوبرداری از پلان های غربی و پیاده سازی آن ها در بناهای خود آغاز می شود. با توجه به رویکرد مقاله به واسطه این الگوبرداری، معماری ابزاری می شود برای نمایش تغییرات رخ داده در جامعه و نوع تفکر افراد. این افراد معماری را ابزاری برای نمایش قدرت و رهایی از قید و بندهایی که سالها در فرهنگ و روح ملتش رخنه کرده است می دانستند.

عامل بعدی ارتباط غربی ها با ایرانی ها به واسطه مسائل تجاری و آموزشی می باشد، که عامل مهمی بر تحولات فضاهای میانی شناخته شده است. رخنه کالاهای خارجی به کشور و استفاده ایرانیان از این کالاها سبب گشت فضاهای داخلی خانه با تغییراتی همراه گردد در بسیاری موارد فضایی برای این کالاها ساخته و یا تخریب می شدند که در دگرگونی ساختار خانه ها اهمیت ویژه ای دارند. ارتباطات فرهنگی به واسطه آموزش، هم صحبت شدن زنان و مردان ایرانی با غربی ها یکی از عوامل مهم بر نوع تفکر و سبک زندگی اعیان گشته است، رواج برونگرایی در بناها نمونه ای از رسوخ فرهنگ و تفکر غربی بر زندگی ایرانیان این دوره می باشد. با برونگراشدن بناها فضاهای میانی آن نیز دچار تغییرات بسیار شده است، ایوان های روبه گذر، راه پله های تقسیم فضاها، نمونه هایی از فضاهای میانی هستند که در این دوره شکل گرفتند.

عامل سوم، نقش انقلاب صنعتی در دگرگونی فضاهای میانی می باشد. به واسطه مواجه ایرانیان با تکنولوژی و پیشرفت های غربی، سران جامعه به فکر تغییرات اساسی در شکل و شاکله شهر افتادند، در این تصمیم حصارهای شهر تخریب و تهران از چهار سمت گسترش یافت و بناهای جدیدی در شهر

● درخانه های سنتی اوایل دوره قاجار، تغییر محسوسی در فضاهای میانی خانه ها در قیاس با گذشته خود نمی توان یافت. الگوی فضای میانی در خانه ها ادامه الگوی معماری صفویه است.

● در بناهای دوره میانه؛ که می توان آن را به دو بخش تقسیم نمود، در ابتدای دوره، که بافت داخلی شهر تغییرات محسوسی را متحمل نشده است خانه هایی که توسط اعیان و اشراف ساخته شده است با الگوی سنتی پیشین می باشد و اکثریت تغییرات در تزئینات بناست نه در شکل و شاکله ساختاری بناها، به عنوان مثال، ساختمان امام جمعه و خانه قوام الدوله. در بخش میانی دوم، که عریض شدن معابر در بافت های سنتی نیز اتفاق می افتد و گذرهای جدیدی شکل می گیرد، فضاهای میانی مرتبط با گذر ها (هشتی های اختصاصی و کوچه دردارها) در بسیاری از این محلات از بین می روند.

● در بناهای اواخر عصر قاجار، همان طور که در تحلیل شکلی بناها ملاحظه شد، بناهای کوشکی و بناهای برونگرایی رو به گذر الگوی ساخت بناهای شهری شدند. در این الگوها ساختار و شاکله اصلی بناها تغییر نموده و فضاهای میانی رو به نابودی رفته یا به شکلی دیگر در فضاهای مسکونی خودنمایی می نماید. تقسیم فضاها از طریق راه پله نمونه ای از فضاهای میانی است که در این دوره شکل می گیرد. از طرفی خارج شدن حیاط از قلب خانه به عنوان عنصر مهم و ارتباط دهنده به عنصری عبوری از مهمترین تغییرات رخ داده در فضای میانی این دوره می باشد.

۸- یافته های تحقیق

با مطالعات انجام شده و تحلیل های شکلی به عمل آمده از فضاهای میانی در مسکن دوره قاجار می توان به مهمترین عوامل تغییر دهنده فضای میانی پرداخت.



فرا دست، سبک زندگی و معماری متفاوت تری نسبت به افراد فرودست داشتند.

با توجه به مطالب گفته شده در حوزه شهر و معماری می توان نقش حاکمان، اشراف و روشنفکران را در ورود تفکر غربی به کشور به وضوح مشاهده کرد. در این بازه زمانی، فضا ابزاری می شود در دست حاکمان برای ورود افکار و سبک زندگی غربی به کشور.

جدول ۷- یک رابطه کلی میان تغییرات اجتماعی دوره قاجار و نموده های آن در معماری شهر و فضای میانی را نشان می دهد (مأخذ: نگارندگان)

عوامل بیرونی تغییر	تحولات اجتماعی عصر قاجار	نمود کالبدی در معماری و شهرسازی	تغییرات ایجاد شده در فضاهای میانی
وسایل ارتباط جهانی بروز انقلاب و اصلاحات در کشورهای همسایه	نقش انقلاب فرانسه و نیز انقلاب صنعتی که سبب شکل گیری اندیشه های تجدد در مقابل سنت بود.	خیابان کشی های جدید به سبک شهرسازی پاریس. و نیز شکل گیری محلات جدید با معماری غربی شکل گیری ساختمان هایی با عملکردهای جدید. تغییر در ساختار فضایی، استفاده از مصالح جدید و عناصر جدید، تغییر در پلان.	۱. از بین رفتن کوچه دردارها که فضایی برای تعامل بین چند خانواده را تشکیل می داد. ۲. خارج شدن حیاط از حیطه قلب خانه که فضایی برای وصل و تعامل به فضایی برای گذر تبدیل شده است. ۳. ارتباط گذر و خانه (قلمروها) نابود شده اند. ۴. با تغییر در پلان ها سلسله مراتب فضای میانی از بین رفته است. ۵. با برون گرا شدن خانه ها و رو به خیابان نگاه کردنشان (در خانه های دو طبقه) فضای میانی تبدیل به یک فضا عبور (کفش کن) شده است.
ورود ارزش ها و عقاید و رفتارهای خارجی به کشور	نقش تحولات اقتصادی که به واسطه حضور روس و انگلیس در ایران اتفاق افتاد و موجب ارتباط اقتصادی و ورود کالاهای خارجی به کشور و همچنین زمینه های مراوده تاجران با دیگر کشورها برقرار شد.		
رونق دادوستد و توسعه روابط سیاسی	نقش شیوه های جدید آموزش و تحصیل در دارالفنون توسط مدرسان فرنگی که اکثریت فرانسوی بودند و یا از طریق اعزام محصل به خارج		
تماس فرهنگی از رهگذر مسافرت و تحصیل در خارج			
افزایش نهادهای آموزشی جدید			



۹- نتیجه تحقیق

عصر قاجار یکی از حساس‌ترین دوره‌ها در طول تاریخ است که سنت و مدرنیته در ابتدا با هم پیوند خورده و معماری و شهرسازی متفاوتی نسبت به دوره‌های پیشین را شکل می‌دهد. تغییرات اجتماعی بیان شده در این دوره تأثیر خود را در قالب مدرنیزاسیون بر پیکره شهر و معماری گذاشت. این اتفاق در ابتدا با تقلید کورکورانه از عناصر غربی در قالب بناهای معماری و شهرسازی جدید انجام شد که نشان از ابزار بودن معماری در این دوره تاریخی دارد.

ابزار بودن معماری و شهر در این دوره به ۲ نکته اشاره می‌کند:

- معماری، ابزاری می‌شود برای نمایش قدرت حاکمان، در ورود دادن مدرنیته وارداتی به کشور بدون توجه به اندیشه‌های نهفته در پس آن.

- و دیگری معماری و شهر، ابزاری می‌شود برای تغییر در ارزش‌های گذشته و نمایش شکل جدیدی از زندگی به سبک غربی که آغازش در این دوره است و در پهلوی اول به اوج می‌رسد.

در ارتباط با فضای میانی باید گفت، در این دوره فضاهای میانی دستخوش تغییرات اساسی شده است و علت آن متأثر از تغییرات به‌وجود آمده در معماری و شهر بود که اهرمی بودند در دست حاکمان و اشراف برای بیان نوع متفاوتی از نگاه و تفکر که تاپیش از آن سابقه نداشت.

۱۰- تشکر و قدردانی

لازم است تشکر و قدردانی ویژه خود را از دوست عزیزم دکتر سحر علی‌نژاد برای راهنمایی‌ها و پیشنهادهای ارزشمند و سودمند ایشان در جهت تدوین این مقاله به عمل آورم.

۱۱- پی‌نوشت‌ها:

1. Manuel Castells

2. David Harvey
3. Henri Lefebvre
4. Bill Hillier
5. Maria Manuela Mendes
6. Private
7. Public
8. social space
9. phisical space
10. Colquhoun
11. Edvard Soja
12. social transformation
13. social change
14. Markus
15. Margareth Kohn
16. Michel De Certeau

۱۷. شبه‌مدرنیسم، ثمره مدرنیسم اروپایی یا مدرنیسم جهان سومی است (نک: کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۱۴۲).

۱۲- منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۷)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.

<https://www.gisoom.com/book/11648460/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%A8%DB%8C%D9%86-%D8%AF%D9%88-%D8%A7%D9%86%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A8/>

- آدمیت، فریدون (۱۳۶۲)، امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی.

https://dehlinks.ir/link_download.php?Mozojadid_Id=17185

- آقابخشی، علی، افشاری‌راد، مینو (۱۳۷۴)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.

<https://www.gisoom.com/book/1485237/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D8%A7%DB%8C%D9%86-%D8%A8%DB%8C%D9%86-%D8%AF%D9%88-%D8%A7%D9%86%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A8/>



[A6%D9%87-%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88%DB%8C%DB%8C-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D8%AC%D8%AF%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%DA%AF%D8%B2%DB%8C%D9%86%DB%8C-%D9%81%D8%B6%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D9%88-%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%AF%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%A2%D9%86/](#)

• اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۸۰)، مائر و الآثار، چهل سال تاریخ ایران، ترجمه ایرج افشار، تهران: اساطیر.

<https://www.gisoom.com/book/1200946/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%DA%86%D9%87%D9%84-%D8%B3%D8%A7%D9%84-%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%D8%AF%D9%88%D8%B1%D9%87-%D9%BE%D8%A7%D8%AF%D8%B4%D8%A7%D9%87%DB%8C-%D9%86%D8%A7%D8%B5%D8%B1%D8%A7%D9%84%D8%AF%DB%8C%D9%86-%D8%B4%D8%A7%D9%87-%D8%AC%D9%84%D8%AF-2/>

• امینزاده، ژیلدا (۱۳۹۲)، مقایسه دیدگاه شریعتی و مطهری در زمینه تحولات اجتماعی، تهران: شرکت انتشارات قلم.

<https://www.gisoom.com/book/1970296/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D9%85%D9%82%D8%A7%DB%8C%D8>

[%D9%81%D8%B1%D9%87%D9%86%DA%AF-%D8%B9%D9%84%D9%88%D9%85-%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%DB%8C/](#)

• آرت، هانا (۱۳۹۷)، انقلاب، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: خوارزمی.

• <https://www.adinehbook.com/gp/product/9644870263>

• ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: کیهان.

<https://www.gisoom.com/book/1648595/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87-%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C-%D8%AA%D9%88%D8%B3%D8%B9%D9%87/>

• افروغ، عماد (۱۳۹۶)، فضا و جامعه (فضا و نابرابری‌های اجتماعی)، تهران: تربیت مدرس.

<https://www.gisoom.com/book/11356578/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D9%81%D8%B6%D8%A7-%D9%88-%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87-%D9%81%D8%B6%D8%A7%DB%8C-%D8%B4%D9%87%D8%B1%DB%8C-%D9%88-%D9%86%D8%A7%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%DB%8C-%D8%A7%D8%AC%D8%AA%D9%85%D8%A7%D8%B9%DB%8C-%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D8%>

[%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D8%](#)



<https://www.parhambook.com/product/detail/3134/%D8%A7%D8%B1%D8%B1%D8%B3%DB%8C-%D9%86%D8%B8%D8%B1%DB%8C-%D9%BE%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DB%80-%D8%A7%D9%86%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A8>

• حبیبی، محسن (۱۳۹۶)، از شار تا شهر، تهران: دانشگاه تهران.

<https://parhambook.com/product/detail/3134/%D8%A7%D8%B2-%D8%B4%D8%A7%D8%B1-%D8%AA%D8%A7-%D8%B4%D9%87%D8%B1-%D8%AD%D8%A8%DB%8C%D8%A8%DB%8C>

• جماعت، رمضان؛ اکبری، زینب (۱۳۹۲)، تحولات بافتی تهران در دوره قاجار، تغییرات ایجاد شده در نحوه قرارگیری خانه‌ها نسبت به معابر شهری، مجله جامعه‌شناسی تاریخی، ۵ (۱): ۱۷۶-۲۰۲

<https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=219299>

• روشه، گی (۱۳۹۷)، تغییرات اجتماعی، ترجمه دکتر منصور وثوقی، تهران: نشر نی.

<https://www.fadakbook.ir/product/8528/%D8%AA%D8%BA%DB%8C%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D8%AC%D8%AA%D9%85%D8%A7%D8%B9%DB%8C-%D8%A7%D8%AB%D8%B1-%DA%AF%DB%8C-%D8%B1%D9%88%D8%B4%D9%87-%D8%AA%D8%B1%D8%AC%D9%85%D9%87-%D9%85%D9%86%D8%B5%D9%88%D8%B1-%D9%88%D8%AB%D9%88%D9%82%DB%8C>

<https://www.fadakbook.ir/product/8528/%D8%AA%D8%BA%DB%8C%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D8%AC%D8%AA%D9%85%D8%A7%D8%B9%DB%8C-%D8%A7%D8%AB%D8%B1-%DA%AF%DB%8C-%D8%B1%D9%88%D8%B4%D9%87-%D8%AA%D8%B1%D8%AC%D9%85%D9%87-%D9%85%D9%86%D8%B5%D9%88%D8%B1-%D9%88%D8%AB%D9%88%D9%82%DB%8C>

<https://www.gisoom.com/book/11016127/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D8%A7%D9%86%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A8-%D9%88-%D8%A8%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%DB%8C>

• بشیریه، حسین (۱۳۹۳)، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران: دانشگاه تهران.

<https://www.gisoom.com/book/11016127/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D8%A7%D9%86%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A8-%D9%88-%D8%A8%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%DB%8C>

• بهنام، جمشید (۱۳۷۵)، ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.

<http://library.sharif.ir/parvan/resource/259809/%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%DB%8C%D8%A7%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AF%DB%8C%D8%B4%D9%87-%D8%AA%D8%AC%D8%AF%D8%AF>

• پاکدامن، بهروز (۱۳۷۳)، نگاهی کوتاه به شیوه‌ها و گرایش‌های معماری تهران، کتاب تهران، جلد چهارم، تهران: انتشارات روشنگران.

• پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۵)، تاریخ شهر و شهرنشینی دوران قاجار تا پهلوی، تهران: آرمانشهر.

<https://www.adinehbook.com/gp/product/6006248271>

• جانسون، چالمرز (۱۳۶۳)، تحول انقلابی، ترجمه الیاسی، تهران: امیرکبیر.

<https://ketabnak.com/book/83545/%D8%AA%D8%AD%D9%88%D9%84-%D8%A7%D9%86%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A8%DB%8C-%D8%A7%D8%A8%DB%8C>



<http://asmaneketab.ir/product/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D8%AA%D9%87%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%DA%AF%D8%B0%D8%B4%D8%AA%D9%87-%D9%88-%D8%AD%D8%A7%D9%84-%D8%AD%D8%B3%DB%8C%D9%86-%DA%A9%D8%B1%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86/>

• کاپلان، لورنس (۱۳۷۵)، مطالعه تطبیقی انقلاب‌ها از کرامول تا کاسترو، ترجمه محمد عبداللهی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

<https://www.gisoom.com/book/1105761/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D9%85%D8%B7%D8%A7%D9%84%D8%B9%D9%87-%D8%AA%D8%B7%D8%A8%DB%8C%D9%82%DB%8C-%D8%A7%D9%86%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A8-%D9%87%D8%A7-%D8%A7%D8%B2-%DA%A9%D8%B1%D8%A7%D9%85%D9%88%D9%84-%D8%AA%D8%A7-%DA%A9%D8%A7%D8%B3%D8%A/A%D8%B1%D9%88>

• قبادیان، وحید (۱۳۹۳)، معماری در دارالخلافه ناصری، تهران: پشتون.

<https://www.adinehbook.com/gp/product/9647136250>

• فوران، جان (۱۳۹۸)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.

<https://www.gbook.ir/product/%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%88%D9%85%D8%AA-%D8%B4%DA%A9%D9%86%D9%86%D8%AF%D9%87-%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8>

• رضاخانی، ژیللا (۱۳۹۳)، مفصل در معماری (پایان‌نامه دکتری)، تهران: دانشگاه تهران.

• ژیلنیتس، آندژی (۱۳۹۴)، فضا و نظریه اجتماعی، ترجمه محمود شورچه، تهران: پرهام.

<https://www.fadakbook.ir/product/20400/%D9%81%D8%B6%D8%A7-%D9%88-%D9%86%D8%B8%D8%B1%DB%8C%D9%87-%D8%A7%D8%AC%D8%AA%D9%85%D8%A7%D8%B9%DB%8C-%D8%A7%D8%AB%D8%B1-%D8%A2%D9%86%D8%AF%DA%98%DB%8C-%DA%98%DB%8C%D9%84%D9%86%DB%8C%D8%AA%D8%B3-%D8%AA%D8%B1%D8%AC%D9%85%D9%87-%D9%85%D8%AD%D9%85%D9%88%D8%AF-%D8%B4%D9%88%D8%B1%DA%86%D9%87>

• ساسانی، مژگان (۱۳۹۳)، بررسی انسان‌شناختی فضای میانی در مسکن سنتی و معاصر شهر شیراز (پایان‌نامه دکتری)، تهران: علوم و تحقیقات.

• سیاهگلی، مهسا (۱۳۹۵)، بازبانی نقش فضاهای بینابین و گذر، در تحقیق رفتارهای تعاملی کودکان، حلقه گمشده در انتظام فضایی مدرسه ایرانی (پایان‌نامه دکتری)، تهران: علوم و تحقیقات.

<http://opac.nlai.ir/opac/prod/bibliographic/2722079>

• سعیدنیا، احمد (۱۳۷۶)، تهران پایتخت تهران، ج ۵ و ۶، تهران: روشنگران.

<https://ahmadsaeednia.blog.ir/1397/01/22/tehrancityiran>

• کریمان، حسین (۱۳۵۵)، تهران در گذشته و حال، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.



- Aesthetics and Art Criticism* 25 (1): 3-15.
<https://philpapers.org/rec/ARNIAO>
- Brookes, Toni_Ros. 2012. *INSIDE / OUTSIDE and the [inbetween]*. Wellington: Victoria University of Wellington, School of Architecture.
 - Crysler, G., Cairns, S., Heynen, H. .2012. *Handbook Architectural Theory*, London: Sage.
<https://www.amazon.com/SAGE-Handbook-Architectural-Theory-Handbooks/dp/1412946131>
 - Collins. 2003. *Collins English Dictionary*. Great Britain: HaperCollins Publishers.
<https://www.amazon.com/Collins-English-Dictionary-UK/dp/0007522746>
 - Colquhoun, A.1989, *Modernity and the Classical Tradition: Architectural Essays 1980–1987*, Cambridge, MA: MIT Press.
https://books.google.com/books/about/Modernity_and_the_Classical_Tradition.html?id=leOtoAEACAAJ
 - Grosz, E. 2001. *Architecture from the out side: essays on virtual and real space*. Cambridge Mass: MIT Press.
<https://mitpress.mit.edu/books/architecture-outside>
 - Gehl, J. 1996. *Life between Buildings* Copenhagen Denmark: The Danish Architectural Press.
<https://www.amazon.com/Life-Between-Buildings-Using-Public/dp/1597268275>
 - Hajer, M. & Reijndorp, A (2001). *In Search of New Public Domain*. Rotterdam: NAI.
- یزدخواستی، بهجت؛ اسماعیلی، علی (۱۳۸۷)،
 آسیب‌شناسی جنبش مشروطیت (تحلیل تطبیقی میانی
 فکری نهضت مشروطیت با انقلاب اسلامی)، پژوهشنامه
 انقلاب اسلامی ۷ (۱۵): ۱۱۹-۱۶۶.
<http://ensani.ir/fa/article/313882/%D8%A2%D8%B3%DB%8C%D8%A8-%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C-%D8%AC%D9%86%D8%A8%D8%B4-%D9%85%D8%B4%D8%B1%D9%88%D8%B7%DB%8C%D8%AA-%D8%AA%D8%AD%D9%84%DB%8C%D9%84-%D8%AA%D8%B7%D8%A8%DB%8C%D9%82%DB%8C-%D9%85%D8%A8%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D9%81%DA%A9%D8%B1%DB%8C-%D9%86%D9%87%D8%B6%D8%AA-%D9%85%D8%B4%D8%B1%D9%88%D8%B7%DB%8C%D8%AA-%D8%A8%D8%A7-%D8%A7%D9%86%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A8-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%DB%8C->
- Arnheim, R., Zucker W.M, & Watterson J. 1966. Inside and Outside in Architecture: A Symposium. *The Journal of*



Recalling the Transitional Space: City home and Kampung. *Procedia - Social and Behavioral Sciences (ISI)*, 170: 605 – 612.

https://www.researchgate.net/publication/276929262_Recalling_the_Transitional_Space_City_Home_and_Kampung_Home

- Massey, Doreen. 2001. Space, Place, and Gender. University of Minnesota Press, Minneapolis (third Print).

<https://www.upress.umn.edu/book-division/books/space-place-and-gender>

- Mendes, Maria Manuela & Sa, Teresa. 2017. Architecture and the Social Sciences, Springer International Publishing AG.

<https://www.amazon.com/Architecture-Social-Sciences-Multidisciplinary-Approaches-ebook/dp/B06Y3ZHFJ7>

- Moghtader, Reza .1996. *Tehran in fence, capital of two hundred years*, translated by SA. Moqadam, Tehran, <https://www.sid.ir/en/Journal/ViewPaper.aspx?ID=754742>

- Nooraddin, H. 2002. In-between space: Towards establishing new methods in Street Design. *Global Built Environment Review*, 2, 50--57.

<https://iconarp.ktun.edu.tr/index.php/iconarp/article/view/514>

- Rapoport A. (2007). The natural of the courtyard house: A conceptual analysis. *Traditional Dwellings and Settlements Review*, XVIII, 57-71.

<https://www.amazon.com/Search-New-Public-Domain/dp/9056622013>

- Heynen, H. 2013. "Space as Receptor, Instrument or Stage: Notes on the Interaction Between Spatial and Social Constellations", *International Planning Studies*, 18(3-4), 342-357

<https://www.researchgate.net/publication/263404469>

- Hillier, B., & Julienne H. 1984. *The Social Logic of Space*. Cambridge University Press, Cambridge.

http://assets.cambridge.org/97805213/67844/frontmatter/9780521367844_frontmatter.pdf

- Ismail, Wan. Hamishah. 2012. Cultural Determinants in the Design of Bugis Houses. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 50: 771–780.

<https://pdf.sciencedirectassets.com/277811>

- Lang, J. 2005. *Urban Design: A Typology of Procedures and Products*. UK, Architectural press in imprint of Elsevier.

https://shora.tabriz.ir/Uploads/83/cms/user/File/657/E_Book/Urban%20Studies/URBAN%20DESIGN.pdf

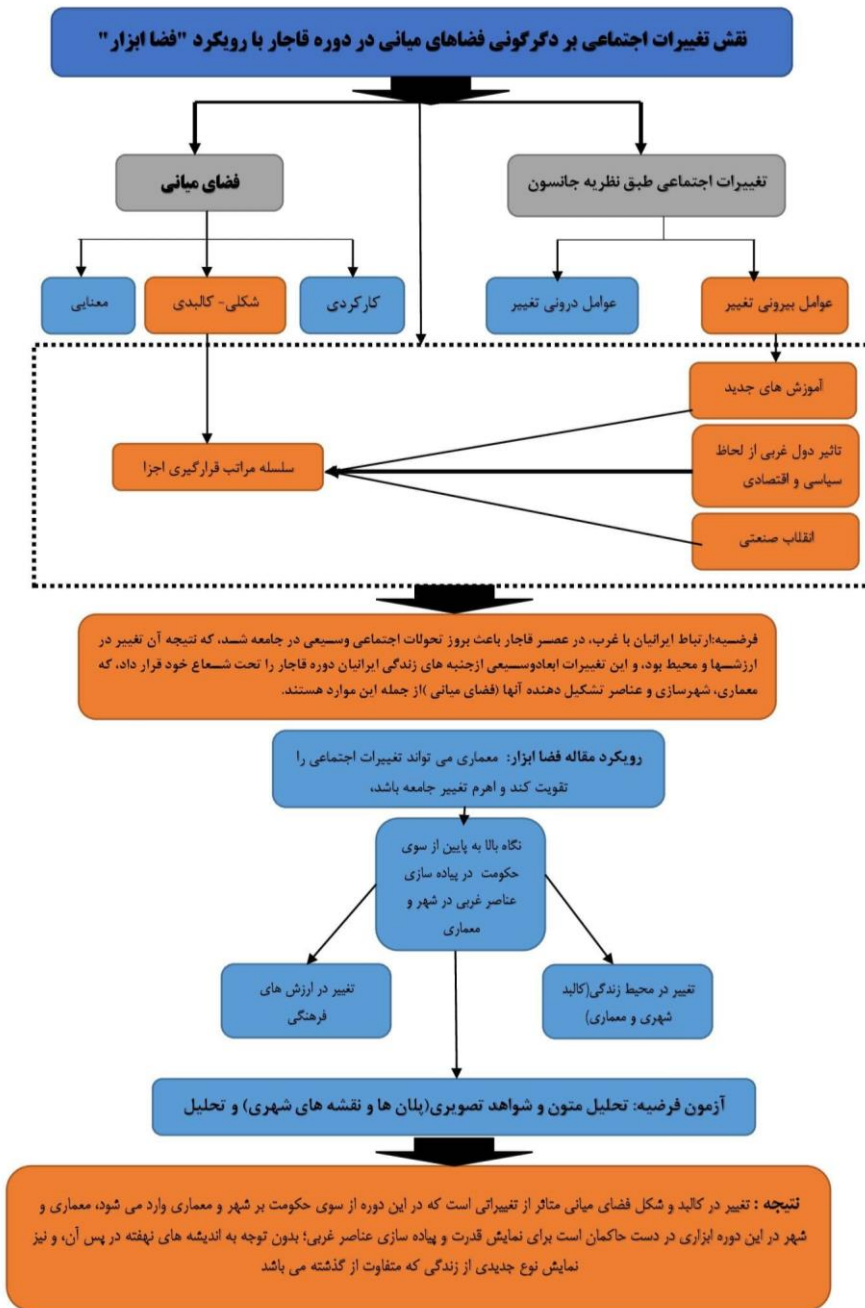
- Lo, R. 1986. *Between Two Worlds: The window and the relationship of inside to outside*. Wellington, New Zealand: Victoria University of Wellington.

http://ijaud.srbiau.ac.ir/article_8548_bfe8d7153580b1856ba3de915801e831.pdf

- Maliki, Nor.Zarifah, Abdullah, Aldrin., & Bahauddin, Aziz. 2015.



۱۳- چکیده تصویری



دوفصلنامه اندیشه معماری، نشریه علمی، سال ششم، شماره یازدهم

بهار و تابستان ۱۴۰۱

